

## رژیم های امریکائی منطقه برای تجاوز نظامی به میهن انقلابی مان "پیمان می بندند."

### متحد شویم!

در صفحه ۲

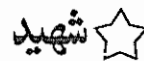
صفحه ۱۰

## ریگان علیه لهستان نیز به تحریم اقتصادی متوسل شد

## اقدام علیه شوراهای کارگری اقدام علیه انقلاب و قانون اساسی است

در صفحه ۶

درسوگ رحلت پیامبر اسلام و شهادت  
امام دوم و امام هشتم شیعیان جهان  
مردم خروش برداشتند مرگ بر امریکا  
در صفحه ۹



شهید

یدالله احمدی:

در جبهه فقط به پیروزی

این جمهوری بر

تجاوزگران می اندیشم

در صفحه ۲۲



## سال نوبر هم میهنان مسیحی مبارک باد

آغاز سال نو میلادی را با امید به آغاز سالی که در  
آن آرمان والای صلح و عدالت اجتماعی در بین  
گیتی بیش از پیش سایه گسترد و اهریمن جنگ ، نترس  
چهل از جهان رخت کشد ، به هم میهنان مسخر  
تبریک می گوئیم .

## مدافعان سرمایه داری در کار مسخ لایحه ملی کردن بازرگانی خارجی

نظر آقای عسکراولادی درباره

توزیع داخلی نادرست و مبهم است

توزیع داخلی کالاهای وارداتی و کالاهای تولید داخلی  
باید بطور عمده برعهده تعاونی های صنفی و بخش دولتی  
قرار گیرد .

سرمایه های بخش خصوصی ، بجز کسبه و پیشهوران باید  
از دخالت در توزیع داخلی منع شوند و فعالیت آنها  
مطابق قوانینی که تدوین می شود ، در صنعت و کشاورزی  
نورد حمایت قرار گیرد .

در صفحه ۱۸

به جنایت بزرگ مهاباد رسیدگی کنید

## سپاه پاسداران مهاباد را از عوامل ضد انقلاب پاکسازی کنید

در صفحه ۱۷

مروری به اختصار در بیانیه و مواضع جدا شدگان از  
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
مبارزه با وحدت زیر پوشش وحدت طلبی

در صفحه ۱۲

کمیته های ایالتی

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

اقدام نفاق افکنانه و توطئه گرانه کشتگر - هلیل رودی را  
محکوم کردند

در صفحه ۱۱

## متحد شویم!

## تجاوزات امپریالیسم آمریکا و رژیم صدام را درهم کوبیم

# رژیم های امریکائی منطقه برای تجاوز نظامی به مین انقلابی مان بیمان می بندند. هتشد شویم!

ارتجاع جهانی به سرکردگی آمریکا، شاهد فروپاشی و مرگ محتوم خویش است و از جانب خلق های سراسر جهان هر روز ضربه مرگبار تازه ای بر پیکر در حال تلاشی آن فرود می آید

امپریالیسم و صهیونیسم به سرکردگی آمریکا، دست در دست مائوئیست های چینی که عنق ارتجاع آنها مدام بشریت را می آزارد، به کمک رژیم های ارتجاعی جهان، تمام نیروی جهانی خود را به کار گرفته اند تا مانع پیروزی خلق ها، که مرگ محتوم آنان را بشارت می دهند، شوند. امپریالیسم آمریکا در جدال مرگ و زندگی به ماجراجویی های دیوانه وار متوسل می شود و اکنون که زمان یکتازی آن به سر رسیده است تا آنجا که متواند به آتش جنگ تجاوزکارانه علیه خلق ها و رژیم های سوسیالیست و ضد امپریالیست جهان می دمد. در همه توطئه ها و تجاوزات نظامی، علیه بشریت ترقیخواه دست های آلوده امریکائی جنایتکار پیداست.

در جنگ تحمیلی به ایران در کشتار مردم السالوادور، در الحاق بلندی های جولان در تجاوز نظامی به آنگولا، در کشتار مردم جنوب لبنان در توطئه براندازی علیه دولت سوسیالیست لبنان، در استقرار ناوگان های جنگی در اقیانوس هند و دریای عمان، در استقرار شبکه موشک های دارای کلاهک هسته ای در اروپا، در تجاوز به لیبی و توطئه علیه کوبا، در همه جا که جنگ و تجاوز و غارت و جنایت و کشتار مردم هست، دست پلید آمریکا در کار است. آمریکا دشمن اصلی همه خلق های جهان و "شیطان بزرگ" است.

در برابر جنگ افروزی ها جنایات، تجاوزات و توطئه های امریکائی جنایتکار تنها یک حربه کارساز است و آن اتحاد همه گردان هایی است که در راه دستیابی به صلح، دموکراسی استقلال و عدالت اجتماعی با امپریالیسم جهانی - سرکردگی امریکائی جنایتکار در پیگارند. شرط ضرور پیروزی بر امپریالیسم آمریکا وحدت رژیم های ضد امپریالیست منطقه، با یکدیگر و با جنبش انقلابی کارگری و با اردوی جهانی

اردوگاه ها را تامین می کنند. در این پایگاه ها و قرارگاه های نظامی به وسیله دهها هزار تن افراد "ارتشی آزادیبخش ایران" به سرکشی جلال معروف شاه ژنرال اویسی، توسط ژنرال های امریکائی و ترک آموزش نظامی می بینند. و سراسر گزارش هایی که دریافت داشته ایم هم اکنون واحدهایی از آن، از مرزهای ترکیه وارد خاک میهن در مناطق تحت نفوذ دستجات ضدانقلابی صغار مامدی شده و آماده جنگ با نیروهای مسلح جمهوری اسلامی هستند. هدف نهائی این واحدهای نظامی مزدور که می گویند تعرض جدی خود را در اوایل بهار آینده آغاز خواهند کرد، در ارتباط با بادهای ضدانقلابی فاسلو و صارمادی و خوانین و فتودال های ملسیح آذربایجان غربی، کردستان و کرمانشاهان، تجزیه قسمت هایی از آذربایجان و مناطق کردنشین ایران است. و این علاوه بر طرح "تربیب وایر" تجاوز نظامی از جنوب ایران و تجزیه جنوب است. دشمنی لحام گسیخته و جنون هار آمریکا، تنها متوجه انقلاب ایران و افغانستان نیست یاغی گری لحام گسیخته و جنون هار ارتجاع جهانی به سرکردگی آمریکا علیه اردوی جهانی انقلاب است که انقلاب ایران و افغانستان حرثی از آن اند.

خارجه خاطر نشان کنیم که "ترکیه و پاکستان با عربستان گفتگوهایی را در سطح نظامی آغاز کرده اند که به نظر می رسد (و از نظر ما قطعا) تحت هدایت آمریکا صورت می گیرد." اکنون برای همه روشن است که رژیم های امریکائی ترکیه و پاکستان تا چه میزان در مرزهای خود با ایران تجهیزات و تاسیسات نظامی برپا ساخته اند. سرتاسر نوار مرزی ترکیه و پاکستان با ایران توسط کارشناسان امریکائی و ژنرال های ترک و پاکستانی با جاده های استراتژیک نظامی، خطوط لجستیکی، پایگاه ها و قرارگاه های مستحکم محصور شده است. ژنرال های کودتاجی ترکیه با کمک کارشناسان امریکائی حتی مناطق مرزی را از اهالی بومی حالی کرده اند. در هر دو کشور ترکیه و پاکستان، اردوگاه های نظامی مجبری برای تربیت نیروهای ضدانقلابی ایران و افغانی دایر است. در این اردوگاه ها ساواکی ها، افسران فراری شاه افراد پالیزبان - بختیار- اویسی و اشرف توسط کارشناسان و ژنرال های ترکیه و آمریکا، برای گسیل به داخل مرزهای ایران، به منظور جنگ با نیروهای مسلح جمهوری اسلامی تربیت و تسلیح می شوند! خاندان پهلوی و سرمایه داران فراری حسی از مخارج هنگفت این

عراق علیه جمهوری اسلامی ایران است. عربستان سعودی با امضای این پیمان نظامی، به دستور امریکائی جنایتکار، حمایت خود از رژیم صدام را در جنگی که از رژیم بر مردم ما تحصیل کرده است، آشکار و آشکارتر کرد. وزیر کشور عربستان سعودی در پایان امضای این پیمان نظامی از تمام اعراب خواست: "تدابیر فاطح و جامعی علیه ایران اتخاذ کنند." وی افزود پیمان مرزی عربستان و عراق مانگر تحکیم همکاری دو کشور در جهت تضمین وضع ثبات منطقه است. گزارش روزنامه های صح و عصر تهران نیز حاکی از این بود که "عراق از طریق اردن عربستان سعودی و کویت تجهیزات نظامی از آمریکا می خرد" و از قول نشریه "الدعوه کرونیکل" نوشتند: "... در این مبارزه که عراق با پول عربستان سعودی و کویت با سلاح امریکائی مسلح می شود، هدف شعله ور نگاهداشتن جنگ (جنگ ایران و عراق) در خلیج فارس است. برای آنکه تصویر کامل تری از خطر تجاوز امپریالیسم آمریکا و مزدورانش از کشورهای ارتجاعی محاور به میهنمان ارائه داده باشیم، باید از قول آقای احمد عربی قائم مقام وزارت

خبرامضای قرارداد نظامی تازه ای میان قطر و عربستان سعودی توسط خبرگزاری های جهان انتشار یافت. مشابه چنین پیمانی، چندی پیش به بهانه دروغین دخالت ایران در امور داخلی بحرین میان عربستان سعودی و بحرین به امضاء رسیده بود. در همین هفته انعقاد یک موافقت نامه همکاری امنیتی دسته جمعی میان کشورهای عضو شورای همکاری خلیج - عربستان سعودی - کویت - قطر - بحرین - عمان و امارات متحده عربی امری در شرف وقوع اعلام شد که میهنمندان و مقدمات آن به پایان رسیده است.

همچنین بین وزیر دفاع مصر، "ژنرال عبدالخلیم ابوغزاله" و وزیر دفاع سربان موافقت نامه همکاری های نظامی تازه امضاء کردید.

هدف تمامی این پیمان های نظامی، در راستای پاسداری منافع امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکائی جنایتکار، احیا پیمان امپریالیستی و تجاوزکارانه "ستو" است که با انقلاب افغانستان و ایران در هم شکست شد این پیمان ها و متوجه گسترش پایگاه ها و نیروهای نظامی آمریکا در منطقه، تبدیل منطقه به انبار سلاح های امریکائی، سرکوب جنبش های استقلال طلبانه خلق های عرب و غیر عرب منطقه و در رأس آن سرکوب انقلاب های افغانستان و ایران و تجاوز نظامی به این دو کشور است. همزمان با امضاء این پیمان ها، دیدار نمایندگان رژیم های دست نشانده عمان مصر، عربستان سعودی، سودان و دیگر رژیم های امریکائی عرب، برای تدارک کنفرانس وزیران دفاع این کشورها به پایان رسید و بر اساس گزارش خبرگزاری ها، کنفرانس در ۲۶ دسامبر (هفته ۸ دی ماه جاری) در رباط گنشین یافت مهم ترین مسئله مورد بحث در این کنفرانس، اتحاد تدابیر جمعی برای سرکوب جنبش های استقلال طلبانه در این کشورها و سرکوب افغان ها، ایران و افغانستان بود. همچنین در این هفته مان وزیر کشور عربستان سعودی تاق بن سدالعربر" و وزیر کشور رژیم صدام "سعدون تاگر یک پیمان مرزی به امضاء رسید. این یک پیمان نظامی عربستان و

## هتشد ار می دهیم!

### خطر تجاوز امپریالیسم امریکائی و مزدوران آنی از کشورهای ارتجاعی مجاور به میهنمان جدی است



اعلامه کمیته مرکزی حزب توده ایران

# الحاق بلندیهای جولان توسط اسرائیل یک تجاوز آشکار امپریالیستی - صهیونیستی است

اقدام دولت صهیونیستی اسرائیل به الحاق "رسمی" بلندیهای اشغال شده جولان، آزریر خطر تجاوز نظامی دیگری به جمهوری اسلامی ایران نیز هست. این تجاوز می تواند، تجاوز امریکایی "غیرمستقیم" دیگری از نوع تجاوز "صدامی" باشد و نیز می تواند تجاوز مستقیم آمریکا باشد. این تجاوز می تواند از مرزهای جنوب شرقی، شمال غربی و یا جنوب، درگیر طرحها و مقدمات این تجاوز جدید فراهم شده است. خطر تجاوز نظامی جدید به ایران، خطری است جدی و باید آن را جدی گرفت.

یگانه سیاستی که می تواند بر این سیاست ماجراجویانه نظامی لگام زند و آن را عقیم کند، اتحاد همه نیروهای ضدامپریالیستی و ضدصهیونیستی در هر کشور، در منطقه و در سراسر جهان است. اگر نیروهای ضدامپریالیستی و ضدصهیونیستی قطع نظر از عقاید مسلکی، سیاسی و مذهبی در هر کشور در منطقه و در سراسر جهان با یکدیگر فقط بر مبنای موضع گیری علیه سلطه جویی و جنگ افروزی امپریالیسم و صهیونیسم بسرگردگی آمریکا به خاطر کسب و نامین استقلال خلق های هر کشور، حفظ و تضمین تمامیت ارضی هر کشور، حفظ و نامین صلح در منطقه و به مقیاس جهانی با یکدیگر متحد شوند، دست یکدیگر را در مبارزه مشترک علیه دشمن مشترک - امپریالیسم و صهیونیسم بسرگردگی آمریکا بفشارند، از یکدیگر پشتیبانی و به یکدیگر کمک کنند، آنگاه آمریکا "هیچ غلطی نمی تواند بکند" تفرقه متحد امریکاست اتحاد نیروهای استقلال طلب، آزادیخواه، مترقی، عدالتخواه و صلح طلب - سلاح اطمینان بخش پیروزی برامپریالیسم و صهیونیسم بسرگردگی آمریکا است.

حزب توده ایران، اقدام تجاوزکارانه و اشغالگرانه دولت صهیونیستی اسرائیل را به الحاق "رسمی" بلندیهای جولان هم صدا با دولت جمهوری اسلامی ایران، هم صدا با تمام نیروها و کشورهای ضدامپریالیستی و ضدصهیونیستی جهان به شدت و با خشم محکوم می کند و بار دیگر همبستگی خود را با خلق سوریه و همه خلق های عرب در مبارزه مشترک بر ضدامپریالیسم و صهیونیسم بسرگردگی آمریکا ابراز می دارد.

تردیدی نیست که این اقدام "رسمی" کمترین رسمیت و اعتباری ندارد و نمی تواند داشته باشد. ولی حزب توده ایران بر آن است که این اقدام تجاوزکارانه، اشغالگرانه و جنگ افروزان، فراخوانی است به لزوم اتحاد همه نیروهای ضدامپریالیستی و ضدصهیونیستی در سطح هر کشور، در سطح منطقه و در سطح جهان - که باید تحقق یابد، تا بتوان امپریالیسم تهاور و تجاوزگر آمریکا و متحدانش را مهار کرد و شکست تاریخی محتوم امپریالیسم و صهیونیسم جهانی را بسرگردگی آمریکا تسریع و نامین نمود.

کمیته مرکزی حزب توده ایران  
بیست و هشتم آذرماه ۱۳۶۰

الحاق بلندیهای جولان توسط رژیم صهیونیستی اسرائیل نفرت و خشم مردم سراسر جهان و همه نیروهای مردمی و ترقیخواه را برانگیخت.

همه رژیم های سوسیالیست و ضدامپریالیست جهان، تمام شخصیت ها و سازمان های مردمی و انقلابی و ضدامپریالیست بانگ اعتراض خود را علیه خودسری و یاغیگری اسرائیل که با پشتیبانی همه جانبه امپریالیسم جهانی بسرگردگی آمریکای جنایتکار صورت می گیرد، رستار از همیشه فریاد زدند.

فریاد اعتراض و نفرت و خشم نسبت به تجاوز صهیونیسم به سرزمین های دیگران و سیاست سرکوب جنبش های استقلال طلبانه خلق های عرب منطقه توسط صهیونیسم و امپریالیسم جهانی مبین ما را نیز سشار کرد.

امام خمینی، آیت الله منتظری، رئیس جمهور نخست وزیر، کمیسیون خارجه مجلس شورای اسلامی و دیگر مقامات و نهادهای رسمی جمهوری اسلامی، یک صدا این تجاوز را محکوم کرده و اعلام کردند.

"دولت ما در کنار دولت سوریه، لیبی و مقاومت فلسطین که در معرض فشار صهیونیسم بین الملل هستند، ایستاده است"

سازمان ما هم آواز با همه نیروهای مردمی و ضدامپریالیست و انقلابی ایران و جهان، الحاق بلندیهای جولان را نمونه خودسری جنگ طلبی و تجاوز امپریالیسم و صهیونیسم خواند، آن را محکوم کرد و بر پیوند مردم و دولت ایران با مردم و دولت سوریه پای فشرد و بار دیگر از همه نیروهای ترقیخواه و ضدامپریالیست ایران و منطقه خواست که علیه تجاوز و خودسری صهیونیسم و امپریالیسم متحد شویم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران نیز، در این رابطه اعلامیه ای انتشار داد، که ما با درج آن در این شماره کار همه خوانندگان را به مطالعه دقیق آن فرا می خوانیم:

نظامی و یا طرح های نظیر "کمب دیوید" طرح "فهد" و غیره و غیره. هدف از این سیاست که بر محور ماجراجویی نظامی ندوین و اجرا می شود سکستن استقلال کشورهای مستقل (به ویژه و در درجه اول لیبی و سوریه) در منطقه سکستن جنبش ها و انقلاب های رهایی بخش (به ویژه و در درجه اول انقلاب رهایی بخش فلسطین) در منطقه سکستن انقلاب های پیروزمند (به ویژه و در درجه اول انقلاب های پیروزمند ایران و افغانستان) در منطقه است. امپریالیسم آمریکا این منطقه را به دلیل اهمیت آن از لحاظ نفت و به دلیل موقعیت مهم استراتژیک آن در بیکسار استراتژیک علیه اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی، منطقه "حیاتی" خود و "متعلق" به خود می داند. و درصدد استقرار سلطه بی چون و جرای خود بر آن است. اسرائیل صهیونیستی سه عنوان دست مسلح آمریکا، سیاست توسعه طلبانه و تجاوزکارانه خویش را در منطقه به اجرا می گذارد.

اقدام دولت صهیونیستی اسرائیل به الحاق بلندیهای جولان، نیک نشان می دهد که امپریالیسم آمریکا و "دست های مسلح او" در بی اعتنائی و در سکستن تمام قوانین بین المللی با چه حد بی محابا و کستاخاند، نشان می دهد که ماجراجویی نظامی به سطح سیاست دولتی ایالات متحده آمریکا و دستیارانش ارتقا یافته است.

شایان ذکر است که دولت آمریکا از یک طرف از این عمل تجاوزکارانه و اشغالگرانه دولتی صهیونیستی اسرائیلی به اصطلاح "ابراز تاسف" می کند و از طرف دیگر و هم زمان، پشتیبانی کامل خود را مانند همیشه از دولت صهیونیستی اسرائیل اعلام می دارد. چنین روشی بار دیگر تمام خباثت و سالوسی امپریالیسم آمریکا را آشکار میکند

دولت صهیونیستی اسرائیل به دنبال یک جلسه چند ساعتی "کنش" (پارلمان اسرائیل) در روز ۲۴ آذر ۱۳۶۰، بلندیهای اشغال شده جولان متعلق به سوریه، را جزئی از خاک اسرائیل اعلام داشت. این اقدامی است خودسرانه، ناقض قوانین بین المللی، ناقض نص و روح منشور سازمان ملل متحد، ناقض قطعنامه های مصوب این سازمان در مورد اراضی اشغال شده کشورهای عربی، که در جنگ اوزکارانه دولت صهیونیستی اسرائیل، به سال ۱۹۶۱، به تصرف اسرائیل درآمده اند. این یک اوباشگری تجاوزکارانه در سطح بین المللی است. این اقدامی علنا تحریک آمیز و آشکارا جنگ طلبانه است. با هدف برافروختن مجدد نآرند جنگ در حاورمیان. این اقدامی است بیانگر سیاست توسعه طلبانه و تجاوزکارانه اسرائیل، این سبک سبزه جویی علیه صلح بین المللی است.

تردیدی نیست که یک جنبش امدادی از سوی دولت صهیونیستی اسرائیل با مسوربت قبلی و با ناآئید و پشتیبانی کامل دولت ایالات متحده آمریکا به عمل آمده است. این اقدام در حقیقت جزئی از سیاست ماجراجویانه امپریالیسم آمریکا در منطقه حاورمیان است. سیاستی است که اجزا دیگر آن عبارت است از تحریک و تهدید لیبی، آشافروزی مداوم در لبنان، تقویت مراکش بر ضد بولیاریو، تسلیح مصر و عربستان و سودان و کنیا و سومالی و ترکیه و پاکستان و دیگر دولت های دست نشانده منطقه، ضمن تقویت سلطه سیاسی - نظامی خود بر آنها ایجاد نیروهای واکنش سریع و تهیه تمام مقدمات لازم (پایگاهها و ابزارهای تسلیحات و تجهیزات) و مانورهای نظامی برای گسیل فوری و عمل این نیروها در منطقه، تهیه انواع نقشه های سهاجمات



## تاخیر در بازگرداندن معلمان بناحق «پاکسازی» شده بزرگوار به زیان انقلاب است

آقای پرورش که خود معترف است : " کمبود معلم یکی از مشکلات بسیار بزرگ آموزش و پرورش است " با مسکوت گذاشتن مسئله بلا تکلیفی هزاران معلم وفادار به انقلاب " پاکسازی " شده می گوید :  
" مسئله کمبود معلم در درازمدت حل خواهد شد ! "

بر همین خواست متروغ و برحق پای می مشرند ، در همین حال وزیر آموزش و پرورش در مصاحبه با روزنامه اطلاعات ( اول و دوم دی ماه ) از کنار این مساله با خونسردی می گذرد ! وی ضمن برشمردن طرح های گوناگون در زمینه تغییر نظام آموزشی ، که بسیاری از آنها هرگاه به درستی به اجرا درآیند مثبت و راهگشا هستند آنجا که به مساله بازسازی می رسد به گونه ای از تشکیل شورای عالی نظارت و آیین نامه اجرایی سخس به میان می آورد که گویی حل مسئله به مرور زمان و

مورد توجه باشد ، موضع کارکنان در مقابل انقلاب و اهداف جمهوری اسلامی است .  
( اطلاعات ۲۷ آبان ۶۰ )  
در حالی که هزارها معلم پشتیبان جمهوری اسلامی بیش از دو سال است که برای بازگشت به سر کار ، کاری که بسندان عشق می ورزند ، روزشماری می کنند ، و در حالی که شاگردانشان که از آنان کسب علم و اخلاق مردمی کرده اند خواستار بازگشت آنها هستند ، در شرایطی که همه نیروهای مردمی و انقلابی نیز

پرورش بر اساس معیار " مختبی و غیرمختبی عواقبی بدنال آورده است که از مهمترین آنها اثرات مخرب سیاسی و تاثیر نامطلوب بر کیفیت آموزش را می توان نام برد .  
در حالی که برخی از مسئولین طراز اول جمهوری اسلامی و از جمله حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی آشکارا اعلام می کنند که :  
" بدون شما نیروهای متخصص و انسانی و کسانی که حاضرینند مخلصانه به این کشور خدمت کنند کارها به پایان نمی رسد " ( کیهان ۱۷ آبان ۶۰ )  
در حالی که کسانی چون حجت الاسلام معاد یخسواه معتقدند که :  
" آنچه بیش از هر مساله در بازسازی ادارات بایستی

● در آستانه سال تحصیلی ۶۰ - ۵۹ شمار زیادی از معلمان متعهد به انقلاب در کنار عده ای از ساواکی ها و وابستگان به رژیم منفور پهلوی از کار برکنار و بلا تکلیف شدند . ما از همان آغاز بطریق گوناگون نسبت به این اقدام قانون شکنانه و بی آمده ای زیانبار آن به مسئولین امر هشدار دادیم . متاسفانه در شرایطی که مدارس با کمبود چشمگیر معلم دست به گریبان بود ، اینگونه " تصفیه های " خودسرانه در سرتاسر کشور ادامه یافت . به دنبال آن در آغاز سال تحصیلی ۶۱ - ۶۰ آقای پرورش ، وزیر آموزش و پرورش از کمبود ۴۰ هزار معلم سخن گفت و مدیرکل آموزش و پرورش در اول مهرماه طی مصاحبه ای از تراکم نیرو در جایی و از کمبود معلم در جای دیگر یاد کرد . از سوی دیگر هنوز هم مدارسی هستند که کادر آموزشی آنها تکمیل نیست . مجموعه مسائل یاد شده بر این واقعیت انکارناپذیر گواهی می دهد که " کمبود معلم یکی از مشکلات بسیار بزرگ آموزش و پرورش است " ( اطلاعات اول دی ماه ۶۰ )

## ماده ۳۷ قانون پاکسازی مغایر قانون اساسی است

● اصل ۲۳ قانون اساسی می گوید : تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس را نمی توان صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مواخذه قرارداد " اطلاعاتیه ده ماده ای دادستان کل انقلاب که بر اساس قانون اساسی تنظیم شده است ، در ماده ۶ فعالیت سیاسی احزاب و گروهها را در چارچوب قانون اساسی مجاز و قانونی ساخته است .  
در ماده ۷ به احزاب و گروهها آزادی بیان آرا و افکار سیاسی داده است .  
در ماده ۹ به آنها اجازه مناظره و بحث های عقیدتی از طریق وسائل ارتباط جمعی داده است .  
نه در قانون اساسی و نه در اطلاعاتیه ده ماده ای که اصنام خمینی و همه نیروهای واقع بین خط امام بر آن تاکید دارند تفکیک و تبعیض بر اساس ایدئولوژی و استثناء در مورد کارمندان دولت و از جمله معلمان دیده نمی شود . مطابق قانون اساسی هر فرد می تواند هر ایدئولوژی و عقیده ای داشته باشد و بنا بر اطلاعاتیه ده ماده ای دادستان هر فرد مجاز است که در حزب یا گروهی که در چارچوب قانون اساسی فعالیت دارد عضو باشد و آراء و عقاید خود را نیز بیان کند .  
اما مطابق ماده ۳۷ قانون بازسازی عضو حزب یا گروه دارای ایدئولوژی غیراسلامی نمی تواند در ارگان های دولتی و از جمله در آموزش و پرورش به انقلاب و جمهوری اسلامی خدمت کند !  
از همین روست که می گوئیم ماده ۳۷ قانون بازسازی و برخی دیگر از مواد آن قانون اساسی را نادیده می گیرد و به اطلاعاتیه ده ماده ای دادستان کل انقلاب بی اعتنایی می کند . در اطلاعاتیه ده ماده ای دادستان ، ملاک وفاداری به انقلاب فعالیت در چارچوب قانون اساسی است اما در قانون بازسازی اصل بر عقیده و مرام گذاشته شده است و نه منافع انقلاب ! و به همین دلیل است که با قانون اساسی تناقض دارد .

در جامعه انقلابی ما که برای کسب استقلال در همه وجوه از جمله در زمینه فرهنگی تلاش می کند مبارزه با بیسوادی و ارتقاء کیفیت آموزشی وظیفه ای مبرم و اساسی است این وظیفه تنها از طریق بکارگرفتن و مشارکت تمامی نیروهای میسر است که دارای تخصص در زمینه های فنی و حرفه ای بوده به امر خطیر تعلیم تربیت آشنایی کافی دارند . حال با توجه به این نیاز بسیار مهم ، برای اخراج و بلا تکلیف نگهداشتن هزاران معلم پشتیبان انقلاب ، کارآزموده و دلسوز چه دلایل اصولی و قانع کننده ای می توان ارائه داد ؟ با اخراج معلمان متعهد به انقلاب در حقیقت از کار و تدریس کسانی جلوگیری شده است که هدفی جز آموزش و تعلیم فرزندان مردم و کمک به آماده سازی آنان برای مقابله همجانبه با امپریالیسم و سرسپردگانش ندارند .  
گزینش نیرو در آموزش و

دفع الوقت موکول شده است و این درست در حالی است که خود ایشان به کمبود معلم صریحا اعتراف دارند !  
آقای پرورش در ادامه سخنان خود یاد آور می شود که این کمبود تا به حال از دو طریق عملی شده است یکی پذیرش ۱۶۰۰۰ داوطلب برای دوره تربیت معلم و دیگری گزینش برادران و خواهران متعهد " برای یک دوره دو ساله ( و احتمالا شش ماهه ) آزمایشی . کسانی که این دوره آزمایشی را با موفقیت بگذرانند ، به استخدام قطعی در خواهند آمد . ولی آقای پرورش در سرتاسر توضیحاتش نه به معیارهای گزینش معلم اشاره ای می کند و نه از ملاک هایی سخن بر زبان می آورد که بر پایه آنها هزاران معلم وفادار به انقلاب به تیغ " تصفیه " سیرده شده اند . تاکید ورز آموزش و پرورش بر این واقعیت که مساله کمبود معلم در درازمدت حل می شود مشروط بر آنکه از این گفته حل نهایی مساله بر اساس برنامه ها و معیارهای اصولی مورد نظر باشد ، کاملا قابل تائید است . اما هرگاه طرح مساله " درازمدت " به معرکه حتم فروستن بر مسکوت کنونی و راه حل های غافل باشد ، بدون تردید نمی توان پایه و تضمینی برای اجرای برنامه های دراز مدت قائل شد .  
آقای پرورش به جای روشن ساختن هرچه سریع تر وضع معلمان بلا تکلیف متعین به انقلاب و بازگرداندن آن بر سر کار می گوید " مساله کمبود معلم در درازمدت حل می شود ، چون به تو سعیدی که می گوید " سعد به روزگاران مپهری نشسته دل - بیرون نمی توان کرد !  
به روزگاران " !  
بهرحمت مصالح انقلابا حکم می کند که لطفا شیدی که اخراج می رویه تاکنون بر آموزش پرورش و محیط سیاسی اجتماعی جامعه وارد آور است مورد توجه جدی ق گیرد و درس های لازم از گرفته و بر بلا تکلیفی معلمان دلسوز و پشتیبان انقلاب نقطه پایانی گذارده شود .

# استقلال - کار - مسکن - آزادی



### اقدام علیه شوراها ی کارگری اقدام علیه انقلاب و قانون اساسی است

• شوراها به مثابه سازمان‌های توده‌ای کارگران نفس سترگی هم در پیروزی انقلاب بهمین و هم در تمام طول دوران سده‌ساله پس از آن در دفاع از انقلاب داشته‌اند. این سازمان‌ها جز پیوسته و اعتلا یافته‌ای از جنبش سندیکایی طبقه کارگر کشورمان بوده و به طریق اولی غنای مبارزاتی و گنجینه تجارب و سن تراقدر تاریخ جنبش سندیکایی ایران را کم و بیش و بطور عینی در خود متبلور نموده‌اند. هفتاد سال تاریخ جنبش سندیکایی طبقه کارگر ایران در پیوند تنگاتنگ و ناگسستنی با تاریخ پربار جنبش ضد استبدادی و ضد امپریالیستی و عدالتخواهانه مردم انقلابی میهنمان از نهضت مربوطه تاکنون بوده است. بدیهی است که آرمون‌ها تحارب و دستاوردهای ناشی از جنبش پیوند و ارتباط متقابل امروز در سازمان‌های صنفی کنونی طبقه کارگر ایران یعنی در سندیکاها و شوراها بازتاب عینی یابد. بنابراین نقش شوراها بر بسیج و تحمیل توده میلیونی طبقه کارگر کشورمان در راستای دفاع از انقلاب و در جهت نیل به آزادی‌های سه گانه استقلال طلبانه، آزادی خواهانه و عدالتجویانه آن نه تنها امری تصادفی و گذراننده و نیست، بلکه از سابقه تاریخی درخشانی که متکی بر سن مبارزاتی هفتاد ساله است، برخوردار است. تداوم و اعتلای این مبارزه متحول و قانونمند در کارنامه سه ساله اخیر شوراها ی کارگری مان متجلی است راه اندازی واحدهای تولیدی - خدماتی تعطیل شده و تصمی ادامه کاری آنها - تأمین مشارکت دمکراتیک و گسترده کارگران

در امر اداره تولید و خدمات تلانی در راه افزایش تولید و ارتقا کیفیت آن همراه سازره در راه مصادره و ملی شدن صنایع بزرگ وابسته و از این طریق شالوده ریزی اقتصاد مستقل ملی در دراز مدت و مقابله با توطئه حصر اقتصادی امپریالیستی در کوتاه مدت عقیم گذاردن تشریفدهای اخلال گزانه دشمنان انقلاب در جریان تولید، تأمین آرامش و قانونیت انقلابی در واحدها حمایت از حاکمیت انقلابی در مقابل توطئه‌های رنگارنگ حربه متحد دشمنان انقلاب حمایت از انجام دگرگونی‌های بنیادین به سود محرومان شهر و روستا به ویژه پشتیبانی از اجرای پلان درک بند "ج و د" اصلاحات ارضی و اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی در مورد ملی کردن تجارت خارجی و از همه مهتر بسیج بلافاصله سده کارگران در کارزار مقاومت میهنی در برابر تجاوزگران صدامی به ویژه از طریق ایجاد کمیته‌های دفاع از انقلاب در واحدهای تولیدی - خدماتی ... همه و همه جلوه‌های گوناگون حضور شوراها در میدان‌های نبرد ضد امپریالیستی و مردمی میهن ماست. همچنین است نقشی که شوراها در کنار دیگر سازمان‌های صنفی در امر دفاع از منافع صنفی - رفاهی کارگران در گستره بهبود شرایط کار و زندگی آنان داشته‌اند. مبارزه بیکرانه برای تدوین و تصویب قانون مترقی کار و تأمین اجتماعی با مشارکت تشکل‌های توده‌ای کارگران تنظیم و اجرای نظام مترقی ارزشیابی مشاغل با شرکت نمایندگان سازمان‌های صنفی لغو فوری ماده ۳۳ قانون کار فعلی، ارتقا کیفی شرایط بهداشتی

اجتماعی و دمکراتیک این طبقه انقلابی است، و هم به منزله چشم فروبسته بر مصالح انقلاب است که هم اکنون درگیر شدیدترین نبردهای حیاتی و ماتی با دشمنان تا بن دندان مسلح خویش است. این امر انقلاب را از یکی از مهمترین و بزرگترین ابراهای بسیج و تحمیل توده‌ای خود محروم می‌کند، اعتبار و پایگاه توده‌ای آن را در میان طبقه کارگر میهنمان سست می‌سازد و موجب اخلال در تأمین حمایت گسترده و متشکل کارگران از انقلاب می‌گردد.

شیوه‌های گوناگون مقابله با شوراها و نقض حقوق سندیکایی کارگران

از فردای پیروزی انقلاب تاکنون به انجا مختلف کوشش‌های معنی در جهت انحلال و فروپاشاندن شوراها مسخ تدریجی و تحدید دامنه عمل آنها، نقض حقوق این تشکل‌ها در عرصه قوانین و به‌سلاخره اعمال نفوذ و کارشکنی در جریان تأیید قانونی مضمون انقلابی آنها صورت گرفته است. این گونه تلاش‌ها هم از جانب دشمنان آگاه (ضد انقلاب، لیبرالها و قشرون انقلابی) و هم از جانب دوستان ناآگاه یعنی از جانب برخی عناصر و محافل داخل در طیف نیروهای مسلمان سازر پیرو خط امام چه در داخل حاکمیت و چه خارج از آن (نظیر انجمن‌های اسلامی) انجام گرفته و همچنان می‌گیرد. از آنجا که جنبش اختلالاتی در طول ماه‌های اخیر بشدت بیشتر و دامنه وسیع تری یافته است ما می‌کوشیم تا این گونه اقدامات را که ناظر بر نقض حقوق و آزادی‌های سندیکایی کارگران کشورمان است، در هر ۴ زمینه‌ای که فوقا اشاره کردیم بطور احمالی مورد بررسی قرار دهیم.

۱- کوشش در جهت انحلال و فروپاشاندن شوراها از پس از پیروزی انقلاب

تاکنون شوراها ی زیادی به بهانه‌های گوناگون منحل و متلاشی شده‌اند. شوراها ی اکثر واحدهای تولیدی گیلان شوراها ی واحدهای بزرگ تولیدی و صنعتی در تبریز نظیر ماشین سازی، تراکتورسازی لیفت تراک و کبریت توکلی، شوراها ی واحدهای صنعتی مهمی در اراک نظیر ماشین سازی و آلومینیوم سازی، شوراها ی چندین واحد تولیدی و خدماتی در بندرعباس نظیر کشتی سازی، ایثار کو و صنایع فولاد، و شوراها ی واحدهای تولیدی - خدماتی دیگری در سایر نقاط کشور از آن زمره‌اند. این شوراها اکثرا به بهانه‌های واهی نظیر "ضد انقلابی بودن"، "چی بودن" و "دخالت در کار ارگان‌های اجرایی حکومتی" منحل شده‌اند. جای تردید نیست که امکان نفوذ عناصر ضد انقلابی، اخلالگر، چپ‌رو و آنازیست در صفوف انقلابی کارگران در شوراها وجود داشته است و نیز نمی‌توان انکار کرد که شوراها در برخی از زمینه‌ها از جمله به ویژه در زمینه مشارکت در اداره تولید و زیاده‌روی‌ها و افراط کاری‌هایی داشته‌اند. لیکن هیچگاه نمی‌توان و نباید به دلیل نفوذ چند عنصر اخلالگر یا ضد انقلابی به درون صفوف کارگران در شوراها و یا به علت زیاده‌روی‌هایی که در این یا آن زمینه از فعالیت وجود داشته است، حکم به انحلال شورا داد و اصل موجودیت و مشروعیت انقلابی و قانونی آن را مورد انکار قرار داد. انحلال شوراها به معنای نقض یکی از ابتدایی‌ترین و بدیهی‌ترین حقوق صنفی و اجتماعی کارگران دایر بر حق ایجاد آزادانه و داوطلبانه تشکل‌های صنفی‌شان است. این قبیل اقدامات اصل ۲۶ اساسی‌ترین وجوه آن یعنی در زمینه حق برخورداری کارگران از تشکل صنفی، نقض می‌کند. این تلاش‌ها نافی اصول معتبر مندرج در اعلامیه جهانی حقوق سندیکایی است و به ویژه ماده ۷

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر  
پشتیاز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران



از صفحه ۶

### اقدام علیه شوراهای...

۱ آن را که می‌گوید: است به‌گونه‌ای که مدیریت کارگران حق دارند در رابطه با کلیه مسائل مورد علاقه خود، بدون اجازه قبلی آزادانه گرد هم آیند و آزادانه بحث و ابـراز عقیده بپردازند " و ماده ۲ آن را که تاکید می‌نماید: " کارگران از جمله کارمندان دولت حق دارند بدون اجازه یا کنترل مقامات دولتی و کارفرمایان، سندیکا تشکیل دهند به‌سازمان‌های سندیکایی موجود بپیوندند و در هرگونه فعالیت سندیکایی شرکت نمایند " بطور آشکار و صریح نقض می‌کند.

متأسفانه هم‌اکنون نیز کوشش‌هایی بعمل می‌آید تا برخی از شوراهای واحدهای بزرگ تولیدی و صنعتی را در برخی از نقاط کشور متلاشی کنند. از آن جمله است شوراهای کارخانجات ذوب‌آهن اصفهان و نورد اهواز. شورای کارخانه ذوب‌آهن اصفهان در طول بیش از دوسال حیات پربار خود از یک سو نقش بسزایی در دفاع از انقلاب و عقیم گذاشتن اقدامات توطئه‌گرانه لیبرالها به‌ویژه تشبیهات آنها در زمینه تثبیت طرح توسعه‌گازی ذوب آهن داشته است ( که در این گسترده خدمات کمیته خودکفایی شورا شایان توجه است ) و از سوی دیگر تلاش‌های ایثارگرانه‌ای در راه بهبود شرایط کار و معیشتی کارگران بعمل آورده است که در این عرصه می‌توان از رجمی کردن بیش از یک‌هزار و چهارصد کارگر ساختمانی تاسیسات ذوب‌آهن، تنظیم طرح طبقه‌بندی مشاغل و گرفتن حق سختی کار برای کارگران قسمت بهره‌برداری توسط شورا نام برد. لیکن متأسفانه با وجود کارنامه‌ای چنین درخشان، شورای مرکزی و شوراهای کمپلکس‌ها و واحدهای مختلف دو قسمت ساختمانی و بهره‌برداری ذوب‌آهن، هم‌اکنون در معرض انواع فشارها و تضيقات مکرر از سوی مدیریت جدید و اتحادیه انجمن‌های اسلامی این واحد بزرگ تولیدی است. در طول هفته‌های اخیر اینگونه اقدامات اخلاک‌گراانه ابعاد وسیع‌تر و شدت بیشتری یافته

همچنان می‌گیرد. در بسیاری موارد تلاش‌هایی که در جهت مسخ و محدودکردن دامنه عمل شوراهای صورت گرفته به انحلال و تلاشی آنها نیز منجر شده است. این تلاش‌ها نیز از دو سو صورت می‌گرفته است یکی از سوی لیبرالها ( بخصوص در دوران دولت موقت کام به کام ) با مضمون انکار نقش شوراهای در دفاع از انقلاب و در تجهیز و به‌صحنه آوردن توده‌های وسیع کارگران کشورمان در میدان‌های نبرد انقلابی و به‌ویژه با مضمون نفی وظائف شوراهای در گستره تامین مشارکت کارگران در اداره تولید. و دیگری از سوی برخی نیروها و محافل متعلق به طیف هواداران خط امام چه در حاکمیت و چه خارج از آن ( نظیر برخی از انجمن‌های اسلامی ) با مضمون نفی وظایف شوراهای در زمینه‌بهدود شرایط کار و معیشتی کارگران، با این تعبیر که هرگونه کوششی در این عرصه " حرکت در خط رفاه‌طلبی " است. اما علی‌رغم شکست توطئه لیبرالها در مسخ ماهیت و مضمون واقعی شوراهای سوسی و پیدایش و رشد عناصر مثبت در چگونگی نگرش نیروهای خط امام به شوراهای ( که در شماره اخیر کار آن را مورد بررسی قرار دادیم ) از سوی دیگر

متأسفانه برخی از شوراهای واحدهای تولیدی - خدماتی همچنان در اثر تحریکات ضدکارگری و ضد - شورایی مدیریت یا از محتوی واقعی خود دور شده و یا دامنه عطشان محدود گشته است. نمونه بارز آن کارخانه شیشه و گاز است. همچنانکه در روزنامه اطلاعات ( ۱۹ آذرماه ) آمده است:

" در برخورد با کارگران و نمایندگان شورا و انجمن اسلامی، رفتار مدیریت، کارفرما منشاءه و مستگیرانه و همراه با اهانت و تهدید به اخراج و جریمه و غیره می‌باشد. شیوه عملکرد مدیریت مانع فعالیت شورا و انجمن اسلامی در کارخانه است... "

این قبیل اقدامات در ماهیت امر نقض اصول ۲۶ و ۱۰۴ قانون اساسی و نقض آشکار و جدی روح و جوهر اعلامیه جهانی حقوق سندیکایی و به‌ویژه مواد ۲۰ و ۲۱ و ۵۰ و ۵۱ آن است که به ترتیب مقرر می‌دارند:

ماده ۲۰ " سازمان‌های سندیکایی حق دارند به منظور دفاع از منافع و حقوق کارگران در تدوین سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی شرکت کنند و در

مورد هر مسأله‌ای که با منافع و حقوق کارگران ارتباط دارد، اظهارنظر نموده و دست به اقدام مقتضی بزنند

ماده ۲۱ " سازمان‌های سندیکایی حق دارند در مورد دستمزدها و شرایط کار و زندگیشان با کارفرمایان و از جمله مقامات دولتی به مذاکره بنشینند و با آنها در مورد یک یا چند حرفه چه محدود و چه در مقياس ملی، قراردادهای دسته‌جمعی منعقد سازند "

ماده ۵۰ " کارگران و سازمان‌های سندیکایی‌شان به منظور انجام وظایف خود به عنوان نمایندگان حافظ منافع کارگران حق دارند اطلاعات قابل رسیدگی و مشخصی را درباره عملکرد سود، طرح‌های سرمایه‌گذاری، تولید، طرح‌های توسعه یا مدرنیزه کردن آن موسسه دریافت دارند و یا خواهان این اطلاعات باشند "

ماده ۵۱ " سازمان‌های سندیکایی حق دارند در تعیین سیاست‌های اقتصادی، مالی و فنی محل کارشان نظارت دمکراتیک داشته‌باشند "

### پاسخ مشکلات صنفی کارگران شرکت راه دژ تشکیل شورا است

#### نه اجرای ماده ۳۳

خود و تحقق اهداف صنفی و انقلابی‌شان است. وزارت کار جمهوری اسلامی ایران نیز باید با صراحت بخشدید به ماده ۱۸ آئین‌نامه شوراهای، در جهت تثبیت قانونی شوراهای ( و یا هر شکل صنفی دیگر ) در واحدهای ساختمانی، همه کارشکنی‌هایی را که تاکنون توسط اداره کار مناطق مختلف علیه شکل کارگران ساختمانی صورت گرفته است خنثی‌نماید و همچنین بر عهده اداره کار و امور اجتماعی گیلان است که به مطالبات قانونی و مشکلات صنفی و رفاهی برحق کارگران راه‌دژ پاسخی درخسپور و شایسته انقلاب بدهد و به نوبه خود در تحکیم پایه‌های اجتماعی انقلاب گامی موثر بردارد.

خواست‌های برحق و منطقی خود با این منطق خودسرانه روبرو می‌شوند که " این شرکت تابع هیچ قانونی نبوده و نخواهد بود هر کس می‌خواهد کار بکند، می‌خواهد نکند... " و در همین رابطه تاکنون عده‌ای از کارگران مبارز شرکت به انواع بهانه‌ها و اتهامات ساختگی اخراج شده‌اند. البته مسئولین شرکت با این اقدامات ضدکارگری و اخراج‌های خودسرانه نشان داده است که به یک " قانون " پای‌بند است و آن ماده ۳۳ قانون کار آریامبری است که تجلی خودکامگی کارفرمایان است در چنین شرایطی وظیفه مقدم کارگران مبارز شرکت راه دژ تشکیل یک انجمن صنفی ( شورا یا سندیکا ) برای تاهس یکپارچگی صفوف

● " راه‌دژ، یک شرکت جاده‌سازی است و هم‌اکنون کار ساختمان جاده چوکام - رضوانشهر را برعهده دارد. کارگران این شرکت با وجود سختی طاقت‌فرسای کار راهسازی از ابتدایی‌ترین حقوق صنفی - رفاهی نیز محروم‌اند. آنان نه دفتر بیمه دارند و نه از بهداشت تغذیه مناسب و وسائل لازم جهت ایمنی کار برخوردارند. اخیراً به علت نبود وسائل ایمنی کار، کارگری به شدت مجروح شد و از طرف مسئولین شرکت نیز حتی اقدامی در جهت رساندن او به دکتر و درمانگاه صورت نگرفت

کارگران راه‌دژ وقتی مشکلات صنفی خود را با مسئول شرکت در میان می‌گذارند، با بی‌اعتنایی او مواجه می‌شوند و در مقابل

ما توجه مسئولین امور را به این موارد جدی نقض حقوق سندیکایی کارگران کشورمان جلب نموده و از مقامات جمهوری اسلامی می‌خواهیم که با اتخاذ تدابیر جدی یا هرگونه اقدامات تفضیعی در مورد شوراهای مقابله نموده و در واحدهایی که شوراهایشان منحل گشته‌اند زمینه‌های تجدید تشکیل آنها و از این طریق شرایط احیای حقوق سندیکایی کارگران این واحدها را فراهم نمایند.

۲ - کوشش در جهت مسخ و تحدید دامنه عمل شوراهای

در کنار اقداماتی که متوجه انحلال شوراهای بوده است، تلاش‌هایی نیز به منظور مسخ محتوی و تحدید دامنه عمل شوراهای انجام گرفته و

# اخبار روستائی

## خرم آباد -

### با اجرای بند (ج، و) ، تولیدات کشاورزی را افزایش دهیم

در روستای آزادبخت از نواح بخش کوهدشت بر سر حفر چاه نمیق و استعاده از آن بین دهقانان کم زمین و بی زمین و افراد مرفه روستا اختلاف نظر بروز کرده و رزحمتگان روستای نامهای که برای جهاد طای نامهای هیات هفت نفره واگذاری زمین و اداره آبیاری لرستان مرستادند . ضمن اعلام حمایت خود از رهبر انقلاب و رزمندگان جبهه های جنگ اظهار داشتند :

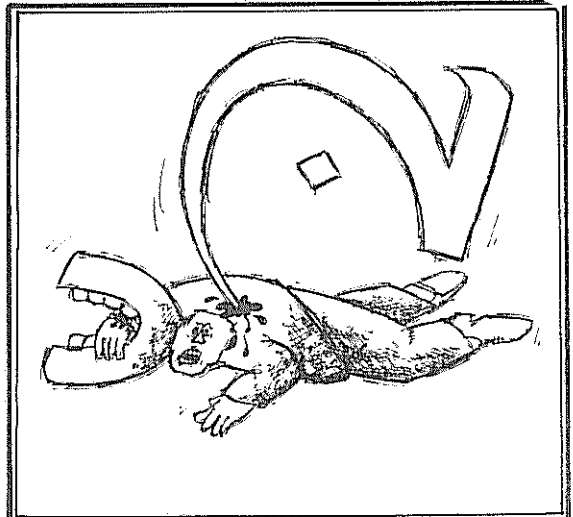
" ما ساکنین روستاهای فقیر آزادبخت علیا و سفلی که در گذشته بر اثر وجود نابرابری ها زمینها آنطور که باید و شاید تقسیم نشده اند و این امر موجب گردیده است که اکثر کشاورزان از کار و شغل خود دلسرد گشته و آوارده شهرهای بزرگ جهت تأمین مخارج زندگی خود گردند در شرایطی که کشور عزیز ما در محاصره

اقتصادی امریکای جهانخوار و کشورهای مزدور منطقه می باشد از طرفی بنا به امر امام خمینی رهبر و بنیانگذار جمهوری اسلامی کشاورزان باید تمامی هم و گوش خود را جهت هر چه بیشتر خودکفانمودن کشور از لحاظ تولید کشاورزی بنمایند . ما نیز ضمن پشتیبانی از تمامی افرادی که جان خود را نثار این آب و خاک می کنند ، خواستار اجرای هر چه سریع تر بندهای " ج " و " د " قانون اصلاحات ارضی اعزام هیات های هفت نفری به منطقه و رسیدگی به مساله حفر چاههای عمیق می باشیم "

## دورود -

### مبارزات دهقانان زحمتکش علیه زمین داران بزرگ و برای به اجرا در آوردن بند (ج، و) ، اوج می گیرد

روستای حشمت آباد در شرق شهرستان دورود قرار



دارد زمین های این روستا در زمان رژیم منور پهلوی توسط فئودال معروف منطقه و با حمایت دستگاههای دولتی شاه غصب گردیده بود . پس از پیروزی انقلاب زحمتگان روستا درصدد مصادره این زمینها برآمدند ، اما فئودال مزبور با حيله و نیرنگ و پشتیبانی دولت لیبرال وقت موفق شد جلوی این کار را بگیرد . سرانجام در آبان ماه گذشته دهقانان زحمتکش پس از تحمل سالها فشار و ظلم و ستم خان به دلیل عدم اجرای بندهای " ج " و " د " قانون اصلاحات ارضی کاسه صبرشان لبریز شده و بطور دسته جمعی اقدام به مصادره و کشت زمین های غصب شده خود می نمایند . فئودال مزبور نیز با حمایت ضمنی ژاندارمری و کک و همراهی دیگر فئودالهای منطقه با دسته های تفنگدار به روستا می ریزند تا زمینها را پس بگیرند . اما دهقانان بلافاصله سپاه پاسداران انقلاب را در جریان امر قرار می دهند که سپاه نیز فوراً در روستا حاضر شده و تفنگداران روستا را محاصره می کنند .

ژاندارمری محل به این حرکت سپاه اعتراض می کند که سپاه در پاسخ می گوید شما نباید در این مسائل دخالت کنید و رسیدگی به این امور در صلاحیت دادگاههای انقلاب است .

\* روستای ترشاب در مجاورت حشمت آباد قرار دارد . چند روز پس از مصادره زمین های فئودال حشمت آباد توسط دهقانان اهالی ترشاب نیز درصدد مصادره زمین های فئودال روستای خود برمی آیند و پس از شور و مشورت با هم بطور دسته جمعی اقدام به مصادره و کشت این زمینها می نمایند . آنان بطور مساوی هر فرد سه گونی ( برابر با ۲۷۰ کیلوگرم) بذر روی زمینها کاشته و قرار می گیرند که هنگام برداشت نیز محصول را بطور مساوی بین خود تقسیم کنند .

\* روستای بهرام آباد در ۸ کیلومتری شمال غربی دورود واقع بوده و حدود ۱۰۰۰ هکتار از بهترین زمین های آن در زمان رژیم گذشته توسط فئودال منور ده غصب شده بود . دهقانان کم زمینی و بی

زمین روستا که بارها برای تعیین تکلیف این زمینها به ادارات و ارگانها مراجعه کرده و نتیجه ای نگرفته بودند . سرانجام پس از شور و مشورت با یکدیگر ، در اواخر مهرماه گذشته اقدام به مصادره زمینهای مزبور می کنند . فئودال ده پس از این واقعه به امام جمعه دورود مراجعه می کند و موفق می شود از او فتاوی به پس دادن زمینها را بگیرد و دهقانان زحمتکش را وادار کند تا زمینها را دوباره به فئودال بدهند . زحمتگان روستا نتوانستند تقسیم و تسلیم دادگاه انقلاب درود نموده و همچنان در انتظار رسیدگی به خواست خود می باشند .

### جهاد آباد نامی آشنا برای دهقانان زحمتکش حیرت و کهنوج

" جهاد آباد " نام روستایی است که توسط هیات هفت نفره واگذاری زمین حیرت بوجود آمده است . این روستا که در فاصله ۴۰ کیلومتری حیرت و در نزدیکی محور اسفالت حیرت کهنوج قرار گرفته است ، مجموعه ای است از ۱۸ واحد مشاع کشاورزی که حدود ۲۰ خانوار از دهقانان زحمتکش را در خود جای داده است هر مشاع مبلغی وام از هیات واگذاری زمین حیرت دریافت داشته تا نسبت به حفر چاه و خرید تراکتور اقدام کند موتور پمپ و تراکتور مورد نیاز مشاع توسط هیات واگذاری زمین حیرت و به قیمت تمام شده تأمین می گردد .

اکثر مشاعها در سال جاری قسمتی از زمینهای خود را بر کشت بردند و توانستند

محصول خود را به بازار عرضه کنند . درآمد برخی از مشاعها نسبتاً چشمگیر بود . تنها مشاعها و دهقانان کم زمین در سال جاری از سیاست کشت شوری کشت حیرت تبعیت کرده و قسمت عمده زمینهای ناچیز خود را زیر کشت گندم بردند . در مقابل، بزرگ مالکین منطقه زمینهای خود را زیر کشت چالیس و صیفی که سودآورترین کشت منطقه است برده و برای خنثی کردن اقدامات شورای کشت حیرت قبلاً " مجوز های لازم را از برخی از مراجع کسب کرده بودند .

" جهاد آباد " هم اینک نمونه گویایی از اتحاد و یگانگی و همکاری و تعاون دهقانان زحمتکش است که در کنار زمینهای بسزرگ مالکینی چون " غلامحسین خان مهبی " برپا گردیده است . زالوصفتی که به هنگام شروع کار هیات واگذاری زمین حیرت چنان از ترس خشم انقلاب بر خود لرزیده بودند که یک ده شش دانگ را برای تقسیم بین دهقانان " پیشکش " کرده بودند . و به محض توقف اجرای بندهای " ج " و " د " اصلاحات ارضی نه تنها " پیشکشی " خود را پس گرفتند بلکه با حفر تعدادی چاه غیرمجاز ، زمینهای موات جدیدی را هم تصاحب نمودند .

اکنون دهقانان زحمتکش منطقه هم صدا با هیات ۷ نفره واگذاری زمین و سایر نهادهای انقلابی حیرت از مسئولان می خواهند که با اجرای هر چه سریع تر بندهای " ج " و " د " اصلاحات ارضی کاح ظلم بزرگ مالکان و خوانین را درهم شکنند و صدها " جهاد آباد " در دل اراضی بزرگ مالکین برپا کنند .

## دهقانان زحمتکش !

با افزایش تولیدات خود کشتزارها را  
به سنگری دیگر علیه امپریالیزم امریکا  
و رژیم جنایتکار صدام تبدیل کنید

\*\*\*

# زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند



## درسوگ وحلت پیامبر اسلام، امام دوم و هشتم شیعیان جهان مردم خروش برداشتند مرگ بر آمریکا

● به مناسبت بیست و هشتم صفر سالروز رحلت پیامبر اسلام و امام دوم و امام هشتم شیعیان جهان، بار دیگر مردم هوشیار و همیشه بیدار ایران به خیابان‌ها آمدند. حضور یکپارچه توده‌های زحمتکش در شهرهای مختلف ایران، این بار نیز شکوه خاصی داشت و عجز و زبونی در دل دشمنان انقلاب و امید و آرزو و خوشبینی را در قلب‌های مدافعین انقلاب و جمهوری اسلامی ایران برانگیخت.

در تهران چون همیشه مردم زحمتکش در دسته‌های بی‌شمار به سوی دانشگاه تهران روانه شدند. تصاویر امام خمینی رهبر انقلاب این بار نیز در اوج خروشان خلق بر دست‌ها بود و از پیوند عمیق مردم با امام خبر می‌داد.

این مراسم که یک آئین سنتی - مذهبی در سوگ و تجلیل پیامبر اسلام بود، به نمایش سیاسی - انقلابی شکوهمندی بدل شد. این یکی از برکات این انقلاب عظیم و نشانه بیداری و

آگاهی مردم زحمتکش میهنان است که در هر شرایطی عزم خود را مبنی بر پشتیبانی از آماج‌های انقلاب و خشم و کین و نفرت نسبت به امپریالیسم آمریکا دشمن غدار مردم ایران ابراز می‌دارند.

در قطعنامه این مراسم که در ۱۱ ماده تنظیم شده بود بار دیگر بر پشتیبانی مردم از امام خمینی و روحانیت مبارز پیرو خط امام تأکید شد. جنگ به مثابه مسئله اصلی عنوان گردید. از برگزاری هفته وحدت به پیشنهاد آیت‌الله منتظری پشتیبانی شد و یکبار دیگر مبارزه جدی علیه محترکین و گرانفروشان و در راه انقلاب اداری خواسته شد.

راهپیمایان یکصدان خواهان اجرای کامل قانون و مبارزه با قانون شکنان شدند. در قطعنامه مراسم گفته شده است:

" ما بر اساس فرمان امام امت که امسال را سال قانون نامیدند، از مسئولین جمهوری اسلامی می‌خواهیم

## در حاشیه تظاهرات افغانه فراری

# تا وقتی قطب زاده بود هیچ غصه نبود

مردم با خشم و اعتراض می‌گفتند:  
" اگر اینها " ضدانقلاب‌شان هستند اینجا چه می‌کنند! "

● بالاخره امسال هم با هر حقه‌بازی و کلکی بود ساریوی امریکایی تظاهرات افغانه در چند خیابان تهران به نمایش گذاشته شد. نمایش امسال بر خلاف سالهای گذشته رنگ و لعاب چندانی نداشت، گرچه نفس خود نمایش برای هر انقلابی و میهن‌پرست سرافکنده بود و جای تأسف داشت. هشاری مقامات جمهوری اسلامی و روشدن دست‌های پلید سرکردگان ضدانقلابی افغانه فراری و نیز تار و مار شدن متحدین و حیزات اصلی این ضدانقلابیون در درون حاکمیت جمهوری و بالاخره ارتقاء و آگاهی‌های مردم و آشنایی آنان با اینگونه توطئه‌ها، همه و همه در افشا و بی‌اعتباری تظاهرات دخالت داشت. و این همه را

بیننده می‌توانست در نگاههای خشمگین و عصبی مردم، در صفوف پراکنده و از هم گسیخته تظاهرکنندگان دریابد. برگزارکنندگان تظاهرات چهارده (بله چهارده) گروهک افغانی - امریکایی بودند که با هزار زحمت چند صد نفر افغانی را ( عموماً فریب‌خورده و بی‌خبر از ماجرا ) گرد آورده بودند. البته باید حق داد که کار مجریان تظاهرات امسال مشکل‌تر از سالهای پیش بود در سال‌های گذشته این آقایان همه چیز را در اختیار داشتند:

در وزارت کشور که عهده‌دار طرح‌ریزی و اجرای برنامه‌ها بود، جناب صباغیان را داشتند. در وزارت خارجه که وظیفه

خطر راه‌اندازی سر و صدای عریده‌کشی را به عهده داشت دکتر یزدی و دارو دست‌های حاضر بودند و در رادیو و تلویزیون قطب‌زاده بود که به قول یکی از افغانی‌ها تا وقتی قطب‌زاده بود، هیچ غصه نبود، و امسال هیچ از این خبرها نبود. کنترل دقیق تظاهرکنندگان به وسیله پاسداران و نیروهای انتظامی و نگاه‌های سرد و ابهام‌آمیز رهگذران و تردیدها و وسوسه‌های مقامات مسئول عرصه را بر ضدانقلابیون فراری افغانه بدجوری تنگ کرده بود. اینطور که بوش " می‌آمد مثل اینکه امسال سال ختم مراسم و جمع کردن بساط بود! این را می‌شد از جهره‌های نگران و درهم فرو رفته سرکردگان تظاهرات خواند.

در این میان لازم است خاطرنشان سازیم که در میان تظاهرکنندگان کهگاه چهره دانش‌آموزان دختر و پسر مصصومی هم دیده می‌شد که از مدارس مختلف آن هم در ساعات اداری به تظاهرات آورده شده بودند که شوروی را به میان کشند تا شعار مرگ بر آمریکا فراموش شود.

حرف‌های مردم هم شنیدنی بود که همه تقریباً یک حرف داشتند و می‌گفتند " راستی، اگر این آقایان ضد انقلاب‌شان هستند اینجا چه می‌کنند! " و این سوال مردم خود حاوی یک پرسش عمیق‌تری از مقامات جمهوری اسلامی بود مگر در بین مجاهدین " افغانی، انقلابی هم وجود دارد! "

سازمان فدائیان خلق ایران ( اکثریت ) سالگرد رحلت پیامبر بزرگوار اسلام امام دوم و امام هشتم شیعیان جهان را به پیشگاه ملت ایران و حضور امام خمینی رهبر انقلاب تسلیت می‌گوید.

## نژور جنایتکارانه استکی و بشارت، نمایندگان مجلس آمیزه‌ای از جنون، خیانت و انتقام جوئی کور

اسلامی علی‌رغم همه توطئه‌ها، تجاوزات و جنایاتی که علیه آن صورت گرفته و می‌گیرد، به پشتوانه توده‌های ده‌ها میلیونی زحمتکشان شهر و روستا، این صاحبان واقعی انقلاب همچنان در راه شگوفایی به پستی می‌تازد و هر روز ضربه مرگبار تازه‌ای بر ارتجاع جهانی و جبهه براندازی سرکردگی آمریکا فرود می‌آورد.

تورریسم کور، جنایتکارانه و جنون زده، عکس‌العمل باس‌آلود دشمنان انقلاب ایران در برابر شگوفایی روزافزون انقلاب ایران است دشمن که قادر نیست سرمنشای نیرومندی و شکوفایی جمهوری اسلامی ایران، توده‌های ده‌ها میلیونی شهر و روستا را از پا درآورد به تروور شخصیت‌ها روی آورده‌است.

ایرکای جنایتکار تروریست و خرابکار تربیت می‌کند و مستقیماً به داخل کشور گسیل می‌دارد. جنایتکارانی مانند رجوی - خیابانی را به تشدید خیانت و اعمال جنایتکارانه تشویق و ترغیب می‌کند

بنی‌صدر و دیگر ناله‌هایش را به جولان درمی‌آورد. تا آمیزه‌های کور، چون ترور جنایتکارانه استکی و بشارت بیابینند.

انقلاب، تروریسم کور و جنایتکارانه را درهم خواهد شکست در این هیچگونه تردیدی نیست. جنایاتی از این دست تنها اراده مردم ما را در دفاع از جمهوری اسلام استوارتر می‌کند و به قول امام خمینی " ملت ما را بیدارتر می‌کند! "

درین حال این جنایت یکبار دیگر اهمیت خطیر وظیفه‌ای را که مسئولین انتظامی در حفظ جان مقامات جمهوری اسلامی ایران دارند نشان می‌دهد.

ما ترور جنایتکارانه استکی و بشارت، نمایندگان مجلس را قویاً محکوم می‌کنیم و فقدان آنان را به مردم، رهبر انقلاب امام خمینی و به خانواده این شهدا صمیمانه تسلیت می‌گوئیم.

هنوز مجلس شورای اسلامی در شهادت استکی، نماینده مردم شهرکرد، که در ترور جنایتکارانه مشهد به شهادت رسید، سوگواری است که تروریسم کور جنایت تازه‌ای آفرید حجت‌الاسلام بشارت تمایزده سمرق و ده‌ها نفر به شنبه ۷ دیماه، هدف تروریست‌های جنایتکار فرار گرفت و به شهادت رسید.

انقلاب مردم ایران، مهلک‌ترین ضربهای بود که در دهه‌های اخیر بر پیکر در حال تلاشی ارتجاع جهان سرگردگی امریکای جنایتکار وارد آورد. این ضربه مرگبار در یکی از حیاتی‌ترین مناطق تحت سلطه امپریالیسم، نافوس مرگ " شیطان بزرگ " و ناله‌های آن را به صدا درآورد و در طین خود به بیداری خلقهای تحت ستم منطقه اوجوسی تازه بخشید.

سورمنشاه، نفرت و خشم لجام‌گسیخته امپریالیسم و ناله‌های آن نسبت به جمهوری اسلامی ایران در این حقیقت بزرگ نهفته است در این حقیقت نهفته است که جمهوری

## ریگان علیه لهستان نیز به تحریم اقتصادی متوسل شد

برخلاف تبلیغات امپریالیسم زحمتکشان لهستان از اقدامات قانونی و قاطع دولت پشتیبانی کرده و اوضاع در لهستان به حالت عادی باز می‌گردد.

در حالی که اوضاع بحرانی لهستان به تدریج به حال عادی بازمی‌گردد، رونالد ریگان در سخنرانی افترا آمیز خود در مورد وقایع لهستان که از شبکه سراسری تلویزیون آمریکا پخش شد، گفت: دولت متبوعش روابط مهم اقتصادی با لهستان را به حالت تعلیق درمی‌آورد. او از متحدان غربی‌اش نیز خواست که از صدور تکنولوژی پیشرفته به لهستان خودداری کرده و در محاصره اقتصادی لهستان از آمریکا تبعیت نمایند! نخست‌وزیر ژاین نیز پس از سخنرانی ریگان گفت: کشورش همگام با آمریکا در محاصره اقتصادی دولت نظامی لهستان شرکت نخواهد کرد.

چنین واکنشی از جانب امپریالیسم آمریکا نسبت به رویدادهای لهستان بسیار قابل فهم است. طی نزدیک به یکسال و نیم که از آغاز بحران در لهستان می‌گذرد، امپریالیسم آمریکا و سایر متحدین آن در ناتو کوشیده‌اند با دخالت در امور داخلی کشور مستقل لهستان، مسئله داخلی لهستان را بین‌المللی کنند و از حوادث لهستان برای تشدید تنش‌جات بین‌المللی استفاده نمایند. آنها طی بیش از یکسال با تبلیغ پیرامون خطر دخالت شوروی در لهستان سعی نمودند اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی را لکه‌دار سازند. آنها از اینکه امروز نقشه خود را علیه مردم لهستان شکست خورده می‌یابند در کمال بی‌شرمی با انتشار اخبار سراپا دروغ در مورد وقایع لهستان تمام خوی و خصلت تجاوزکارانه و ضد مردمی خود را به نمایش گذاشته‌اند.

روزنامه پراودا در تفسیری پیرامون وقایع هفته اخیر لهستان نوشت:

دشمنان سوسیالیسم در تحقق نقشه اضمحلال سوسیالیسم در لهستان که با دقت طراحی شده است، با عدم موفقیت روبرو شدند. رسانه‌های دروھی ارتجاعی از آن جهت به حالت جنون و دیوانگی دچار شده‌اند که حساب‌های امپریالیستی‌ها برای خارج کردن لهستان از خانواده کشورهای سوسیالیستی برادر به‌کلی غلط از آب درآمده و شکست قطعی می‌خورد.

همچنین ژنرال یاروزلسکی، نخست‌وزیر لهستان در پیام به مناسبت عید کریسمس به مردم لهستان گفت:

... اکنون پروسه از هم‌پاشیدگی کشور متوقف و به‌هرج و مرج پایان داده شده و امنیت و مصونیت شهروندان بالا رفته است.

یاروزلسکی گزارش‌های رسانه‌های گروهی غرب را درباره دهها و صدها قربانی و نگهداری هزاران بازداشت شده در سرما و ضرب و شتم مردم نادرست خواند و گفت:

"دیر یا زود تمام جهانیان از حقیقت حوادث لهستان مطلع خواهند شد."

همزمان با گسترش روند عادی شدن اوضاع در لهستان که از پشتیبانی مجدانه زحمتکشان لهستان برخوردار است، علاوه بر تحریم اقتصادی اعلام شده از جانب ریگان، امپریالیسم غربی در این هفته به نحو جنون آمیزی مبادرت به انتشار اخبار سراپا دروغ در مورد لهستان نمود. در همین رابطه دستگاه دروغ‌پراکنی امپریالیسم

انگلیس، بی‌بی‌سی روزانه ۴۵ دقیقه به برنامه‌های لهستانی خود افزود. این رسانه‌ها اخباری مبنی بر کشتار صدها نفر و اغرام هزاران نفر به اردوگاه‌های کار در شوروی و جکسلواکی، تانک‌های شوروی که در جنگل‌های اطراف ورشو پنهان شده‌اند! و ارسال صدهزار دست لباس نظامیان لهستانی برای استفاده سربازان شوروی که گویا قرار است به لهستان وارد شوند، منتشر ساختند.

رادیوی "اروپای آزاد" که توسط سیا و وزارت خارجه آمریکا اداره می‌شود، بیست و چهار ساعت مردم لهستان را به شورش علیه دولت قانونی دعوت می‌کند. و فرستنده‌های رادیویی در کسولگری‌های آمریکا در کراکو و پوزنان مدام اخبار جعلی و تحریک‌آمیز برای مردم پخش می‌نمایند. همه این وقایع تنها مویذ یک چیز است. و آن اینکه آقایان رهبران اتحادیه همبستگی که براساس اسناد موجود برای نابودی سوسیالیسم در

لهستان با سازمان‌های حاسوسی آمریکا و غرب روابط بسیار حسنه بهم زده بودند، هیچ‌کسی برای به‌قدرت رسیدن در لهستان ندارند و هر روز بیشتر از جانب مردم لهستان طرد می‌شوند. این وقایع بی‌شابهت به رویدادهای سال اول انقلاب ایران نیست. در آن هنگام نیز لیبرال‌ها مخعبانه با برژیژسکی و سایر عمال اطلاعاتی آمریکا روابط حسنه داشته و برای نابودی انقلاب سوطه چینی می‌کردند و زمانی که توسط مردم به‌ریسر کشیده شدند و توطئه‌هایشان ناکام ماند، امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران دست به تحریم اقتصادی زد و دستگاه‌های امپریالیسم غربی برای منزوی ساختن ایران نا توانستند اخبار مجعول انتشار دادند. اکنون همان وقایع در سطحی و وسیع‌تر در مورد لهستان تکرار می‌شود. امروز تمام مردمی که در راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی مبارزه می‌کنند، در شکست توطئه‌های امپریالیسم علیه مردم لهستان، سرکوب ضدانقلاب داخلی و تحکیم میانی سوسیالیسم در این کشور دارای منافع مشترکی هستند. حمایت از اقدامات قانونی و قاطع دولت مستقل لهستان، پشتیبانی از صلح و عدالت اجتماعی است.

### سفیر پناهنده شده لهستان جاسوسی «سیا» و «موساد» بود!

خبرگزاری لیبی - جانا: سفیر سابق لهستان در آمریکا «اسیاموسکی» که در هفته گذشته از آمریکا تقاضای پناهندگی کرده، برای سازمان جاسوسی آمریکا (سیا) و سازمان جاسوسی رژیم اشغالگر فلسطین (موساد) جاسوسی می‌کرده است.

به گزارش این خبرگزاری، اسیاموسکی در جریان انتقال آپشن از سران نازی آمریکای جنوبی به کشور اشغالگر فلسطین، دست داشته است.

#### ورود به آمریکا

واحد مرکزی خبر بنقل از خبرگزاری یونایتد پرس گزارش داد: سفیر سابق لهستان در ژاپن روز گذشته وارد واشینگتن شد. «روزیسلاو وراز» سفیر لهستان در ژاپن که به آمریکا پناهنده شده، روز گذشته بوسیله یک هواپیمای وارد فرودگاه واشینگتن شد. ماموران «اف.بی.ای» بطور مخفیانه وی و همسرش و دختر ۲۵ ساله‌اش را از فرودگاه دور کردند تا خبرنگارانی که منتظر وی بودند متوجه او نشوند. پناهنده‌گی سفیر سابق لهستان در ژاپن دهی پناهنده‌گی سفیر لهستان در واشینگتن به آمریکا صورت می‌گیرد. قبلا یک سخنگوی وزارت خارجه آمریکا گفته بود به روراز و همسرش پناهندگی سیاسی در آمریکا داده شده است.

## تفاله‌های

## امریکا

### با اقدامات قاطع دولت

### سوسیالیستی لهستان به

### خانه ارباب پناه

### می‌برند



توکيو - ۲۴ دسامبر ۱۹۸۱: روراز و والسا در کنار هم - این عکس کهن تاریخ ۱۶ می ۱۹۸۱ گرفته شده است، روراز سفیر لهستان در ژاپن را در کنار لخواالسا نشان میدهد. روراز اخیراً از آمریکا تقاضای پناهندگی سیاسی کرده و بریتش همراه همسر و دختر خود، از ژاپن وارد آمریکا شد در فرودگاه، ماموران امنیتی سفیر پناهنده شده لهستان را بدور از دیدن خبرنگاران، از محوطه فرودگاه به محل نامعلومی بردند.

## کمیته های ایالتی سازمان فدائیان خلق ایران ( اکثریت )

### اقدام نفاق افکنانه و توطئه گرانه کشتگر - هلیل رودی را محکوم می کنند

همانگونه که در اعلامیه کمیته مرکزی سازمان اعلام شده است عناصری که به سرپرستی علی کشتگر و دوست او دکتر هلیل رودی علیه سازمان به اقدامات توطئه گرانه دست زدند که برای اینکه بتوانند عنوان "سازمان فدائیان خلق ایران ( اکثریت )" را به سود خود جعل کنند ، و این توهم را در اذهان بوجود آورند که گویا موفق شده اند سازمان را بشکنند به این دروغ بزرگ متوسل شده اند که گویا کمیته های ایالتی سازمان نمایندگانی انتخاب کرده اند و برای شرکت در این توطئه به تهران فرستاده اند . این یک دروغ عاجزانه و مضحک است این عناصر نه کمیته مرکزی را از اهداف و نقشه های خود مطلع ساخته اند و نه هیچیک از کمیته های ایالتی سازمان را . کمیته های ایالتی همصدا با کمیته مرکزی سازمان در سراسر ایران این شیوه توطئه گرانه و ماهیت ضدانقلابی عمل این عناصر را محکوم می کنند .

### اعلامیه کمیته ایالتی خراسان

مردم مبارز خراسان !  
دوستان ، رفقا و هواداران سازمان !  
● هیئت اجراییه کمیته ایالتی خراسان به نام کادرها ، اعضا و فعالین سازمان در منطقه خراسان ، ضمن تقبیح اعمال اشتباهگانه گروهی از اعضای سابق سازمان ، اعتماد ، اعتقاد و تبعیت کامل و بدون قید و شرط خود را از کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران ( اکثریت ) اعلام کرده ، به سهم خود می گوئیم تا رهبری سازمان را در انجام وظایف انقلابی اش و در غلبه بر دشواری های موجود یاری نمائیم .  
سازمان ما بی شک گام های بلندی در راه تامین وحدت طرفداران آرمان والای طبقه کارگر برداشته و به پیروزی های برگشت ناپذیری دست یافته است . ما در آغاز این راه سترگ بر دشواری های آن واقف بودیم . ما می دانستیم که طی این راه پر افتخار و عبور از پیچ و خم های آن ناگزیر با تلفات و ضایعاتی همراه خواهد بود . با این حال تاسف ما این است که چگونه عده ای با سوء استفاده از ناگاهی تعدادی از اعضا و هواداران سازمان احساسات پاک و بی آلاش آنها را به بازی گرفته و در جهت اهداف سازمان شکنانه خود به کار می گیرند . تاسف ما این است که چگونه عده ای در پی فریادهای به ظاهر وحدت طلبانه ، عملاً در جهت انشعاب و انشقاق سازمان گام برمی دارند .  
کلیه اعضا و هواداران سازمان ما به پیروی از رهنمودهای دایمانه کمیته مرکزی سازمان ، مشتاقانه از بازگشت آنان استقبال خواهند نمود و انتقادات خلاق و سازنده آنها را به گوش جان خواهند شنید .  
در پایان به اطلاع مردم مبارز خراسان و هواداران سازمان می رسانیم که از سوی شاخه خراسان هیچگونه اعلامیه ای در حمایت از انشعابگران صادر نشده و اعلامیه ای که به نام شاخه خراسان از روی بیانیه انشعابیون نسخه برداری و پخش شده است ، متعلق به شاخه خراسان نمی باشد . این اعلامیه به وسیله تعداد انگشت شماری از طرفداران انشعابیون در خراسان پخش شده است .

کمیته ایالتی خراسان - سازمان فدائیان خلق ایران ( اکثریت )  
بیست و یکم آذرماه ۱۳۶۰

### اعضا و هواداران سازمان !

کمیته مرکزی سازمان تاکنون در مراحل حساس انقلاب ، سیاست اصولی و پیگیری را پیش برده است ، حرکت های ضدانقلابیون را افشاء و از جمهوری اسلامی ایران در مقابل دشمنان انقلاب قاطعانه حمایت کرده است . کمیته مرکزی سازمان برای دست یابی به " وحدت خلق " و " وحدت جنبش کمونیستی " کوشش های فراوانی نموده است و گام های ارزنده ای در جهت تامین پاکیزگی صفوف نیروهای سازمان و مبارزه با انحرافات برداشته است . بر گرد کمیته مرکزی سازمان حلقه زینم و مبارزه بی تزلزل و قاطعی را در راه وحدت سازمان و حزب توده ایران به پیش بریم .

کمیته ایالتی کیلان

سازمان فدائیان خلق ایران ( اکثریت )  
بیست و هشتم آذرماه ۱۳۶۰

### اعلامیه کمیته ایالتی اصفهان

● به دنبال چند ماه تلاش مخفیانه در جهت ایجاد دسته بندی ضد سازمانی از جانب کشتگر - هلیل رودی و دیگر همدستانش ، اینک سازمان ما در مقابل یک اقدام توطئه گرانه و ضد کمونیستی قرار گرفته است . این اقدام باعث تاسف نیروهای صدیق انقلاب و شادی تمام دشمنان قسم خورده خلق گردید .

هنگامی که جنبه متحد ضدانقلاب به سرکردگی امیرالیسم آمریکا تمام توان خود را به کار می گیرد تا با ایجاد نفاق و پراکندگی در صفوف نیروهای خلق ، ضربات خود را جهت سرنگونی جمهوری اسلامی ایران و نابودی تمام دستاوردهای انقلاب وارد آورد ، هنگامی که اتحاد تمام نیروهای مدافع آماج های انقلاب برای خنثی ساختن توطئه هایی از این دست یکی از ضرورت های اساسی انقلاب میهن ماست ، هنگامی که شکوفه های وحدت پیروان اصیل سوسیالیسم علمی ، حزب توده ایران و سازمان ما در پاسخ به چنین ضرورت حیاتی می رود که به میوه نشیند ، و نقش خود را در اتحاد همه نیروهای خلق ایفا نماید ، آری ، در چنین شرایطی اقدام توطئه گرانه کشتگر - هلیل رودی در جهت خواست و منافع امیرالیسم آمریکا و عمال داخلی آن قرار می گیرد .  
ما ضمن محکوم کردن این عمل تفرقه افکنانه پشتیبانی قاطع خود را از کمیته مرکزی سازمان اعلام می کنیم و از همه هواداران صدیق سازمان می خواهیم صف سترگ خود را به گرد رهبری سازمان فشرده تر سازند .

کمیته ایالتی اصفهان  
۳۰ آذرماه ۱۳۶۰

### اعلامیه کمیته ایالتی کیلان

● عمل سازمان شکنانه این عناصر در شرایطی صورت می گیرد که فدائیان خلق مصممانه و با تلاش شبانه روزی در جهت وحدت جنبش کمونیستی و وحدت نیروهای انقلابی گام برمی دارند . در زمانی که برای مقابله با توطئه های امیرالیسم و وحدت هواداران اصیل سوسیالیسم علمی و جنبش خلق امری ضروری است اقدام تفرقه افکنانه کشتگر و هلیل رودی نمی تواند موجبات خوشنودی امیرالیسم جهانی بسرکردگی امیرالیسم آمریکا و نیروهای ضدانقلاب را فراهم سازد .

این عناصر سازمان شکن بنا به ماهیت خود پرچم مخالفت با سازمان و حزب توده ایران را برافراشته اند و تجربه نشان داده است که در زیر این پرچم تنها نیروهای صد کمونیست گرد می آیند . در زیر این پرچم بیش از همه بابک زهرایی ها - سنگ مبارزه با سازمان و حزب توده ایران را به سینه خواهند زد .

دسته توطئه گر در جزوه خود ادعا نموده است که از جانب کمیته های ایالتی سازمان از جمله کمیته ایالتی کیلان نمایندگانی در اجلاس آنان شرکت نموده است . لازم است گفته شود که از طرف کمیته ایالتی رر نشست این عناصر کسی شرکت نداشت و کمیته ایالتی کیلان یا قاطعیت تمام عمل این توطئه گران را محکوم می نماید و خواستار پیشبرد بی وقفه امر وحدت سازمان و حزب توده ایران می باشد :

مروری به اختصار در بیانیه و مواضع جداشدگان از سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

# مبارزه با وحدت زیر پوشش وحدت طلبی

شده‌ای تدارک دیده شده و کام به کام ، آگاهانه همیشه برده شده است. رفقای سابق ما ، هم‌زمان با بحث‌ها و جلساتی که ظاهراً برای تقویت تفاهم و رفع اختلافات با ما داشتند ، در خفا ، به شکلی کاملاً توطئه‌گرانه طرح کودتایی خود را برای منحل اعلام کردن سازمان تکمیل می‌کردند. آنها مستعراً در این مدت فراکسیون خود را در درون سازمان گسترش و آموزش می‌دادند ، پرسشنامه عضوگیری چاپ و توزیع می‌کردند ، دور از چشم مسئولان و رهبری سازمان جلسات منظم با افرادی که به‌دقت یارگیری کرده بودند ، تشکیل می‌دادند ، جزوات متعدد در مخالفت با مشی رسمی ، اصول تشکیلاتی و تصمیمات پلنوم کمیته مرکزی سازمان تهیه و نشر می‌کردند. روزی که ضربه کودتایی آنها به قصد منفجر کردن و گسستن سازمان از درون فرود آمد ، حجم جزوات اختصاصی و بیانیه‌های مخفی آنها که برای درهم شکستن ضوابط تشکیلاتی و با روح مخدوش کردن و از اعتبار انداختن رهبری و سیاست عمومی و رسمی سازمان و مصوبات پلنوم تنظیم شده بود ، از هزار صفحه عادی بسیار فراتر می‌رفت و این همه در حالی بود که آنها تمام شگردهای تارفاقیانه را برای پنهان کردن نقشه کودتایی خود از چشم رفقای تشکیلات به‌کار گرفته و تلاش بسیار کردند که کسی متوجه نیت واقعی آنها نشود. و این زشت‌ترین شیوه‌ای است که این آقایان به‌کار گرفتند. جزوات و کتاب‌های متعدد در باره "حزب طراز نوین طبقه‌کارگر" که مبتنی بر اصولی ارزشی این آقایان بود ، نقد تحریف‌آمیز فعالیت‌های سازمان و رهبری آن از آغاز تولد نوین آن تا امروز ، طرد صریح و خشن بیانیه مشترک سازمان و حزب و دعوت پنهانی از عوامل خود در تشکیلات به کارگشایی در توزیع آن و انبوهی دیگر از مطالب ضد سازمانی در خدمت هدف از پیش تعیین شده ، به‌سادگی اثبات می‌کند که این توطئه پیش‌بینی‌های طولانی و برنامه‌ریزی شده دارد. این مسئله به‌خودی خود گواه است که:

- ۱- این افراد با زیربا نهادن ابتدائی‌ترین اصول لنینی سازمان سیاسی طبقه کارگر و با نقض صریح این اصول حیاتی ، فعالیت فراکسیونی دامنه‌داری داشته‌اند و از آن هم زشت‌تر کوشیده‌اند این عملیات را تماماً مخفیانه انجام دهند.
- ۲- آنها به مستبدانه‌ترین شکل ممکن موازین سنترالیزم دمکراتیک را نقض کرده و کوشیده‌اند اراده اقلیتی محدود را براراده و رای همه ارگان‌های سازمان از کمیته مرکزی تا حوزه‌های سازمانی که پایین‌ترین واحد سازمانی است ، تحمیل کنند. این سکتاریسم تعدمی هنگامی چهره زشت خود را بهتر به نمایش می‌گذارد که تصبد ظاهر فریب آنها را نسبت به مرکزیت دمکراتیک ، در جملات بیانیه کودتا در نظر آوریم:

ما بر این واقعیت انگران‌ناپذیر و جهانشمول پای می‌فشریم که بینش اصولی ، نه‌تنها هرگز و در هیچ شرایطی از استقرار مرکزیت دمکراتیک و موازین حیات تشکیلاتی آسیبی نمی‌بیند ، بلکه تنها و فقط در شرایط رعایت این اصول است که پاکیزه‌ترین بستر رشد و تعمیق نظرات اصولی فراهم می‌آید. همانگونه که تنها در شرایط تضعیف این موازین است که نظرات و اندیشه‌های انحرافی به‌سرعت امکان رشد می‌یابند و تشکیلات را به تباہی می‌کشاند. (۲)

نخستین بیانیه علنی کودتاگران که با عنوان " انحلال طلبی مبارزه کنیم و از وحدت اصولی دفاع نمائیم " منتشر شده ، نشان می‌دهد که آنها با مباحثی دفاع از انقلاب و رهبری خلقی و ضدامپریالیستی آن ، محتوای واقعی نگرش‌های خود را مکتوم داشته‌اند. با تأکید لفظی جنبش کارگری و کمونیستی جهان و خیزدن زیر پرچم آن ، در عمل بی‌باوری به آن را نشر داده‌اند ، به‌نام دفاع از سازمان پر افتخار فدائیان خلق ایران (اکثریت) و پاکیزگی ایدئولوژیک و تصحیح مشی آن ، از پشت به آن خنجر زده‌اند ، با دستاویز احیاء و تحکیم اصل لنینی سازمانی و مرکزیت دمکراتیک ، اساسی‌ترین موازین لنینی تشکیلات و اصول مرکزیت دمکراتیک را با غیر اخلاقی‌ترین و گستاخانه‌ترین شیوه زیر پا گذاشته‌اند ، با شعار مبارزه با انحلال طلبی ، همه توان عملی خود را در راه انحلال سازمان و بریاد دادن آن و تمامی میراث انقلابی بسج کرده‌اند ، زیر پوشش تلاش برای وحدت صفوف گردان‌های سیاسی طبقه کارگر ایران ، در راه وحدت سنگ و در جام وحدت‌کنندگان زهر و در ذهن کارگران بدر شک و تشنه پاشیده‌اند ، با دعوی سامان دادن "وحدت اصولی" سازمان با حزب توده ایران ، به‌منابه سندهای اصلی طبقه کارگر ایران ، علا علیه این وحدت ، علیه وحدت اصولی جنبش کمونیستی ایران اقدام کرده‌اند و با وظایف و شرایطی که در مقابل آن قرار داده‌اند ، خود را بطور درست تا حد یک نیروی ضد وحدت تنزل داده‌اند. آنها راه وحدت با چپ‌روهای ورشکسته‌ای را در پیش می‌گیرند که اکنون به‌ایبورتونیس راست غلطیده‌اند. آنها تحت پوشش و شعار دمکراسی و ضرورت اعمال آگاهانه اراده اکثریت رفقای تشکیلات در رهبری سازمان ، در عمل اراده و خواست اکثریت قریب به‌اتفاق تمام رفقای تشکیلات را به‌کلی نادیده گرفته و کوشیده‌اند کمیته مرکزی تمام کمیته‌های ایالتی ، همه کمیته‌های شهرهای مختلف و تمام ارگان‌های سازمان را منحل اعلام و اراده خود را جایگزین اراده آنها سازند. لنین ۷۰ سال پیش در افشای " انحلال طلبان " و "فراکسیون‌سازان" هم دوره خود که از قضا آنها هم زیر علم سوزان‌ترین و غرنده‌ترین شعارها برای طبقه کارگر و امر انقلاب گریبان چاک می‌دادند ، گفته بود:

"هر شخص عاقلی می‌فهمد وقتی بر سر موضوعی شدیداً مبارزه می‌شود ، برای کشف حقیقت نباید به اظهارات مشاخره‌کنندگان اکتفا کرد ، بلکه باید شخصاً مدارک و اسناد را بازسی نمود." (۱)

چه سندی معتبرتر از نوشته‌ها و اعمال کاملاً ضد کمونیستی و ضددمکراتیک خود توطئه‌گران؟ کافی است پوسته کلمات بیانیه آنها را خراش دهی ، تا زهری که در آن است بیرون بریزد. اما پیش از آنکه یکایک جنبه‌های انحرافی فکری عمل کودتاگران را مدلل کنیم لازم است کمی درباره اسلوب آنها و پیش از همه خصلت توطئه‌گرانه و کودتایی این اسلوب ، حرف بزنیم ...

## اسلوب مدعیان و مضمون آن

شواهد محکم و پرشماری که در دست است ، جای کمترین شبهه‌ای باقی نمی‌گذارد که نقشه کودتایی طراحان توطئه که سازمان را ترک کرده‌اند ، تصمیمی ناگهانی ، خلق‌الساعه و اجباری نیست. این توطئه‌ای است که تمام اجزاء آن از مدتها پیش به‌طرز حساب

اقدام توطئه‌گرانه و نفاق‌افکنانه علی کشتگر- منوچهر هلیل‌رودی و همفکران ایشان سرانجام بدیهی حرکتی است حساب شده و ناسالم که علیرغم تفاوت‌های شکلی و صوری ، از لحاظ جوهری همانگونه که اعلامیه ۲۱ آذر کمیته مرکزی سازمان نیز یادآور شده است ، با جریان‌هایی نظیر راه‌کارگر ، اقلیت ، و نظائرشان خوباوندی نزدیک و تفاهم بنیادین دارد. جریان اخیر آنقدر زیرک بود که از تجربه سرگشتگی و انزوا‌ی آنها به سود خود بهره بگیرد و شیوه‌های امتحان شده و شکست خورده آنها را رها کند. آموختن از شکست دیگران اگر صداقت انقلابی و تعهد پرولتری پشتوانه آن باشد ، پیروزی است. این پیروزی ناگزیر به تصحیح اسلوب و تجدیدنظر در دیدگاه‌ها و دور ریختن عناصر توهم و اشتباه منجر می‌شود ولی آموختن از شکست چپ‌روها برای از پیش بردن قصد شکست خورده آنها ، نه اشتباهی دیگر ، که سوءنیتی دیگر است.

امروز دیگر از آفتاب‌روشن‌تر است که مقابله آشکار و نزاع کودگان با انقلاب ایران و آن خط حاکمیتی که امر خلقی و ضد امپریالیستی انقلاب را به پیش می‌برد با هر بهانه و در لفافه هر توجیه تئوریک ، کمترین عقوبتش بریده شدن از مردم و بی‌پرده‌غلطیدن در منجلاب ضدانقلاب و آغوش سازمان‌های جاسوسی و خرابکاری تئوریک آمریکائی و اسرائیلی و عراقی و همپالکی‌هایشان در داخل و خارج است. امروز دیگر تحت لوای مارکسیسم - لنینیسم نمی‌توان به‌روزی اردوگاه سوسیالیستی که تجسم زنده این ارمانان و جهان‌بینی است ، تیغ کشید ، نمی‌توان از سوسیالیسم علمی و انقلاب جهانی دم زد و انترناسیونالیسم پرولتری را لگدمال کرد و یا اهمیت بنیادین آن را زیر علامت سؤال گذاشت. نمیتوان سنگ طبقه کارگر ایران را به سینه زد ولی با ضرورت حیاتی وحدت سازمان‌های سیاسی معتقد به جهان‌بینی پرولتاریا ، به‌منابه پیش شرط یکپارچگی و وحدت اراده و عمل طبقه کارگر علناً مخالفت کرد. نمی‌توان از موضع نفرت از حزب توده ایران و نفی سرپای آن سخن گرفت و در عین حال خود را طرفدار وحدت جنبش کمونیستی ایران نشان داد. آری این حرف‌ها دیگر زنده‌تر و ورشکسته‌تر از آن است که بتوان به آن امید بست. سرنوشت همه انواع چپ‌روها و چپ‌ناهما که طی چند دهه بطور نویسی و به‌اشکال مختلف با این ابزارها معرکه به راه انداختند ، برهان قاطع افلاس و رسوائی این راه و رسم است.

بیروان علی کشتگر در سازمان ما درست از این سرنوشت و از تجربه شکست همتهای خود درس گرفتند. اما نه درسی که آنها را بیدار کند ، نه درسی آنقدر عمیق که نطفه ناگامی را در جوهر بینش و مضمون حرکت چپ‌روها بر آنان آشکار کند ، بلکه درسی به اقتضای موقع و افق طبقاتی خود سطحی ، دیپلماتیک و رندانه که آنها را به تغییر تاکتیک و روش‌های آزمون شده برانگیزد. این از همسان درس‌هایی است که برهبران چین از شکست انقلاب فوئنگی و "جنبش بزرگ" گرفتند. این فقط مبارزان راه خلق و راه طبقه کارگر نیستند که از شکست‌ها و پیروزی‌های خود تغذیه می‌کنند. اپورتونیزم هم قادر است از تجربیات خود و اسلافش ، سلاح‌هایش را تیز کند. آنچه را که در ارتباط با سیر حرکت فراکسیون‌های درون سازمان و عاقبت کودتایی آنها شاهدیم ، اثبات مکرر این واقعیت است.



### مروری به اختصار در بیانیه و مواضع جدانشدگان ...

از صفحه ۱۲

نقض بی‌برواری مرکزیت دمکراتیک و اتکاء بسطه فراکسیونیسیم، حاوی یک معنی و نتیجه روشن است. اینکه آنها به حقانیت خود و موثر بودن دعوت خویش اعتقاد نداشتند. روی آوردن آنها به روش‌های ضد دمکراتیک با وجود اطلاع کامل از اثر تباہ‌کننده این روش‌ها، بیش از همه حاکی از فقدان تعقیق آنهاست. همانطور که مارکس اندرز داد: "هدفی که برای اجرایش وسایل نادرست ضرور باشد، هدف درستی نیست" (۳) وسایلی که این عده برای نیل به مقصود به‌انها متوسل شده‌اند، ماهیت هدف آنها را روشن می‌کند، اگرچه بدون این وسایل نیز آنها در گفتار و کردارشان خود را به اندازه کافی افشا کرده‌اند. آنها به‌دست خود می‌نویسند: "تنها در شرایط رعایت این اصول است که پاکیزه‌ترین بستر رشد و تعمیق نظرات اصولی فراهم می‌آید". و در همان حال با دست زدن به عملیات فراکسیونونی و باندهای مخفیانه به خشن‌ترین شیوه‌های ممکن این اصول را نقض کرده و زیر پا می‌نهند.

این اعتقاد که یک امر ناحق را به یاری دوز و کلک می‌توان به‌کرسی نشاند، مفهوم دیگری بی‌اعتقادی به نیرومندی و نافذ بودن حق است. مبداء جدا شدن از مردم و طبقه و کس شدن آنها در مقابل شورش تاریخ، در همین جاست. این بی‌اعتقادی ایجاب می‌کند که عمل خلاف با فاخرترین و حق به جانب‌ترین کلمات استوار شود. از اینجا ورطه عمیقی بین گفتار و کردار پدید می‌آید که تنها با شعبده می‌توان آن را بر کرد. کودکان را می‌گویند:

"اصول و موازین ناظر بر حل اختلافات سیاسی و ایدئولوژیکی که در طول حیات هر سازمان کمونیستی پدیدار می‌شوند، همان اصول و موازینی است که همه گردان‌های رزمنده جنبش جهانی کمونیستی از آغاز تا به امروز در عمل به‌کار بسته و پدیداری کامل داده‌اند." (۴)

آنها از بالای منبر خطابه هشدار می‌دهند: "هرگاه و هر آنجا که از این اصول عدول شده، همواره تلخ‌ترین و ناگوارترین پیامدها را به‌دنبال داشته و موجب بسا ناگامی‌ها و شکست‌ها شده" (۵) آنها در گفتار "اصول و موازین ناظر بر حل اختلافات سیاسی و ایدئولوژیکی" را به رخ دیگران می‌کشند و نصیحت می‌فرمایند که "همه گردان‌های رزمنده جنبش جهانی کمونیستی در عمل به این اصول و موازین پای بند هستند اما در عمل پیش از آنکه "اصول و موازین" محرز جنبش جهانی کارگری را لغو کنند، حرف خود را لغو می‌کنند. آنها خود بهتر از خیلی‌ها می‌دانند که فراکسیونیسیم، تیشه زدن به ریشه مرکزیت دمکراتیک، توسط تدارک شده علیه رهبری سازمان، وحدت شکنی، شورش علیه عالی‌ترین ارگان‌های تحلیلی، کودتا، پاشیدن بذر آشفتگی، جزو اصول و موازین گردان‌های رزمنده جنبش کمونیستی نیست. برعکس، رزمیدن برای ریشه‌کنی این امراض از مقدم‌ترین وظایف همه گردان‌های ملی جنبش جهانی کمونیستی است. بدون این رزم نی‌آشتی، حتی سختی هم از گردان‌های رزمنده برون‌تاریخی به مفهوم واقعی آن در میان نیست. پس نقض کنندگان "اصول و موازین" چه احتیاجی به خرج کردن این کدهای قلب شده دارند؟ جز این است که آنها به این "حرف‌ها" نه برای روشنگری نیاتشان، بلکه برای پوشاندن این نیات سری نیازمندند؟ از این زاویه آیا این پیام لنین که "برای کشف حقیقت نباید به اظهارات مشاخره کنندگان اتکاف کرد" مفهوم‌تر نیست؟

نویسندگان بیانیه کودتا وانمود می‌کنند که گویا برای دفاع از تصمیمات پلنوم اسفندماه سازمان خود را ناگزیر به اقدام دیده‌اند. آنها مصوبات پلنوم مرداد ماه را در تعارض با پلنوم قبلی و در واقع در تعارض با خواست‌های خود یافته‌اند و پس از آنکه در جلسات پلنوم موفق به پیشبرد نظرات خود از طریق بحث و اقعاش نشدند، در پشت سر برای بی‌اعتبار کردن آن و لکه‌دار شدن دادن دستاوردهایش، به تگابو افتادند جانبداری ظاهری از تصمیمات یک پلنوم و هجوم و پرخاش آنها به مصوبات پلنوم دیگر، تلاشی اغواگرانه در جهت قرار دادن پلنوم آذر ۵۹ در مقابل پلنوم

اسفند و پلنوم اسفند ۵۹ علیه پلنوم مرداد ماه ۵۹ است. آنها می‌خواهند تقابل خود را با سازمان و اراده جمعی آن در روند تکاملی قانونمند، تقابل پلنوم‌ها با یکدیگر جا بزنند و چنین جلوه دهند که گویا دعویا مشتبی از ناراضیان و مخالفان مشی و اصول بینویا مجموعه سازمان مطرح نیست، مسئله تعارض و تناقض تصمیمات پلنوم قبلی با پلنوم اخیر است. این اشخاص به سبک معمول خود نخست در گفتار حرکت تکاملی سازمان را با عطر آمیزترین واژه‌ها و با نثار زیباترین صفات، ستایش می‌کنند و در معنا درست‌قلب همین تکامل و همین سیر پیرومند را نشانه می‌گیرند. ریشه دعویا آنها با سازمان ما جای دیگری است. آنها خود می‌نویسند:

"ما با همه ضعف‌ها و لغزش‌ها، بر راستای رشد و تکامل به‌پیش رانده‌ایم و گام‌های بلندی در راه تکامل ایدئولوژیکی، سیاسی، در راه تحکیم پیوند با سازندگان جامعه نوین و تمامی مردم میهنمان ... برداشته‌ایم."

جدا شدن عامل تعیین کننده عقب ماندن یاران نیمه راه و کنده شدن چپ‌روهای از نفس افتاده از سازمان ما را "آهنگ تند و پر تیش رشد و تکامل سازمان" اعلام کرده و نوشته‌اند:

آنها نتوانستند "گام‌های گریزان خود را با آهنگ تند و پر تیش رشد و تکامل سازمان دمساز کنند و لاجرم در نیمه‌راه بر جای ماندند و یا بدتر از آن به گج راه‌های مرگبار در غلطیدند." (۶)

در بازی رنگارنگ این کلمات "هستی نوین" سازمان ما میوه رسیده و شهدا کین تکامل آن است. بی‌این تکامل اکنون ما حداکثر چیزی در حد اقلیت و همه چهارده‌های راجی، آشفته و بی‌سامان بودیم. در این برداشت، روح نیرومندی از حقیقت وجود دارد. اما آنجا که این حکم عام به‌صورت مشخص درمی‌آید، مدعیان باز رو در روی حکم کلی خود قرار می‌گیرند و حرف‌های خود را به‌پاد می‌دهند. در این حالت آنها نه سیر تکامل سازمان، نه حرکت پیشرونده و عالی بخش آن، نه دستاوردهای کبببب این بختگی و رشد مستمر را، بلکه سیر قهقراشی آن، بازمانده‌های گذشته و دیرجانی این بقایا را به‌یاری می‌طلبند و از آن برای خود سیر می‌سازند. سینه زدن زیر علم این پلنوم و جنگ‌حیدری نعمتی‌رمانداختن بر ضد آن پلنوم از این سرچشمه گل‌آلود آب می‌خورد. همچنانکه هر یک از همراهان تصادفی در مقطعی از سیر سازمان ما به سوی احراز هویت پرولتری از آن جدا شدند، اشرف‌دهقانی گفت: چون شما نظرات مسعود را لغو و نظرات بیژن را پذیرفته‌اید، من از شما جدا می‌شوم. دعویا ما با اقلیت بر سر درستی و نادرستی اساس نظرات بیژن بود. مصطفی مدنی که در همراه سال پیش از سازمان اخراج شد، می‌گفت نظرات بیژن را قبول ندارم ولی با سازمان هم مخالف است چون سازمان قطعنامه‌های جلسات شماره ۱۹۵۷، ۱۹۶۰، ۱۹۶۱ را می‌پذیرد. چند نفری نیز در زمستان گذشته بعد از پلنوم اسفند اعلام کردند تا اینجا سازمان را قبول داشتند ولی دیگر وحدت سازمان و حزب توده ایران غیرقابل تحمل است. و بالاخره حالا نوبت به آقایان رسیده که بگویند، همه چیز سازمان را تا همین اواخر قبول داشته‌اند، لکن این پلنوم مرداد واقعا غیر قابل تحمل است. از این داستان واقعا چه چیز عاید می‌شود. آیا چیزی جز اینکه فراکسیون‌شکنتر - هلیل‌رودی نیز تنها آنقدر نفس داشت و آنقدر رمق در پای‌های طرفیت در خصائص انباشته بود که بر سر یکی از همین مارپیچ‌های تکاملی متوقف گردد؟ آنها چه با اعتقاد و چه از سر مصلحت طلبی، تصمیمات پلنوم آذر سال گذشته را "یکی از نقاط عطف تکامل سازمان" خواندند و آن را "آغاز فصلی نوین از حرکت و هستی نوین سازمان" اعلام داشتند. واضح بود گام‌هایی که با تلاش و تعب و شوری ایجابی تا پلنوم آذر به‌جلو آمده بود، نمی‌توانست در این منزلگاه ساکن شود. "هستی نوین" او در حرکت او بود و سکون جز برگ این حرکت و در نهایت مسخ آن "هستی نوین" معنی دیگری نداشت. پلنوم اسفند سال گذشته گام بعدی و ناگزیری بود که از بطن این "هستی نوین" و از عمق ضرورت

دستاوردهای پلنوم آذر طلب می‌شد. ولی هلیل‌رودی‌ها و کسانی که به‌راه او پیوستند نمی‌توانستند با تعمیق این حرکت موافقت داشته باشند. آنها نخست همه توان خود را برای به‌زیر همبیز کشیدن این حرکت مطمئن به خود که منطق آن تداوم آن بود، به‌کار بردند و وقتی از این تلاش که هر لحظه آن بسا سنگ‌اندازی‌ها و غرزدن‌ها، و سوسه‌کردن‌ها و کارکنی‌ها همراه بود، طرفی نبستند، از در دیگر وارد شدند. آنها با اکراه به تصمیمات پلنوم اسفند رای دادند. آنها در لابلای عبارات خود که با دقت کلمات آن گلچین شده‌اند، واقفیت اکراه و ناراضیاتی قلبی خود را نسبت به سرانجام پلنوم اسفند نتوانستند، کاملا مخفی کنند:

"ما به پلنوم اسفند ضمن حفظ برخی از انتقادات ... رای مثبت دادیم."

پلنوم اسفند با وجود اینکه در مفر جدانشدگان از سازمان کاملا جا نمی‌گرفت، هنوز منزلی از منزل‌های میان راه بود، هنوز به چشم‌اندازهای روشن و بی‌تردیدی که در مقابل خود داشت، می‌نگریست. پلنوم مرداد ماه سال‌جاری با پشتوانه دستاوردهای پلنوم اسفند و در مسیری که پلنوم اسفند آن را کوبیده و صاف کرده بود، رسالت خود را به پیش برد. این پلنوم در تعارض با پلنوم‌های پیش از خود قرار نداشت، دنباله آنها و تکمیل مرحلای آنها بود. اما نفس‌اعضای فراکسیون دیگر بریده بود. آنها دیگر واقعا به هراس افتاده بودند. دیگر هرگونه امید خود را به بازگرداندن این روند، از دست داده بودند. تشدید فعالیت فراکسیونیی آنها که مولود این احساس سرخوردگی و یاس بود، بر محور مبارزه با مصوبات پلنوم مرداد، یعنی در واقع مخالفت با تکامل سازمان، رنگ عصبی، شورش و نیهیلیستی به‌خود گرفت. آنها فریاد برداشتند:

"ما پیشهاد می‌کنیم که اجرای قطعنامه مرداد ماه ... متوقف گردد."

و این "ما" جمعی کوچک بودند که در یک مبارزه ایدئولوژیکی مغلوب شده بودند، اما علیرغم رای و نظر اکثریت نزدیک به اتفاق اعضای مرکزیت سازمان و اکثریت قاطع مستولان و کادراهی سازمانی، همچنان بر مواضع خود لجاج می‌ورزیدند. روح این لجاج، مستبدانه فرمان می‌داد که اکثریت عظیم رفقای سازمان که شامل کمیته مرکزی و تمام کمیته‌های ایالتی سازمان است باید به اراده اقلیتی ناچیز گردن بگذارند. آنها در بیانیه خود بیش از ده بار سازمان را به بی‌توجهی و کم‌بها دادن به "خرد جمعی" و "موازین حیات درون سازمانی" متهم کردند. اما خود علنا و بی‌هیچ روه‌ریایی و بدور از ابتدائی‌ترین "موازین حیات درون سازمانی" اولتیماتوم می‌دهند که اگر سازمان تسلیم منطق مغلوب و گذشته‌گرای جمعی کوچک از روشنفکران سازمان نگردد، اعلام می‌کنند که "سازمان منحل شده و سازمان جدیدی به رهبری آنها تشکیل شده است."

و این است اوج بی‌اعتقادی آنان به سانترالیسم دمکراتیک و موازین بنی زردگی حزی. این است حد اعتقاد آنان به انضباط پذیری کمونیستی و پایبندی آنها به شعارهایی که می‌دهند. آنها شیوه مستبدانه فوق سکتاریستی و ضد دمکراتیک و نیز انزوی دیدگاه‌ها و نظرات خود را در پس جنگ پلنوم‌های آذر و اسفند و مرداد پنهان می‌کنند و به‌ویژه مخالفت بوج و بی‌منطق و عنودانه با تصمیمات منطقی و درست پلنوم مرداد را برای جدائی خود مستحکم قرار می‌دهند. در حالی که اگر این دستاویز را هم امری واقعی تلقی کنیم و به حساب بایبندی بسطه تصمیمات پلنوم‌های قلبی بگذاریم و از دیدگاه جدانشدگان تصمیمات پلنوم اخیر را در تعارض با برخی از تصمیمات پلنوم‌های گذشته به حساب آوریم. بازم پای استدلال فراکسیونست‌ها می‌نلکد اگر قرار باشد در هر سازمان انقلابی در هر جای جهان پلنوم‌های گذشته معتبرتر از پلنوم‌های آینده باشد، پیشاپیش، اصل اساسی حرکت و تکامل آن سازمان پایمال شده است. در عرف رایج احزاب کمونیستی جهان از آغاز تاریخ جنبش کارگری و کمونیستی تا امروز آخرین نظر، آخرین قطعنامه، آخرین پلنوم همواره معتبرترین و لازم‌الاجرائی بوده است. چرا که یک پلنوم قانونی از این حق مسلم برخوردار است که متناسب با اوضاع و شرایط جدید این یا آن مصوبه

مروری به اختصار در بیانیه و مواضع جدانشدگان...

پلنوم قبلی را تغییر دهد و حتی این با آن مصوبه را نقض کند. بدون این اختیار این گذشته است که سر آینده حکومت خواهد کرد. لنین همواره یادآور می شد " آنچه دیروز کافی به نظر می رسید، امروز کافی نیست " این تنها اندیشه راهنمای عمل سازمان سیاسی نیست که تکامل می یابد، واقعیت عینی نیز دائم در حال تغییر و تکامل است. اگر پلنوم مراد در احکام و نظرگاه های پلنوم های گذشته محبوس می ماند، نه تنها خود، بلکه روح پلنوم های پیش از خود را نیز فسخ می کرد. از این نقطه عریض هر تغییری که پلنوم اسفند در قطعنامه پلنوم آذر ۵۹ داد، در تعارض با آن نبود، در جهت تحکیم آن بود و هر تغییری که پلنوم مراد در تصمیمات پلنوم اسفند وارد کرد، آن را مخدوش ساخت، بلکه مخدوش شدن آن را به وسیله زندگی و مقتضیات نوین که در بستر انقلاب سیری توانایی دارد، مانع گردید.

از صفحه ۱۳

" از آنجا که اغلب رقای کمیته مرکزی مدافع انحلال سازمان، استقلال رهبری سازمان را در هیچ عرصه ای قبول ندارند، کمیته مرکزی سازمان نیز که می بایست تا برگزاری نخستین کنگره سازمان امسر خضیر هدایت سیاسی، ایدئولوژیک و تشکیلاتی سازمان را به پیش برد، برگزیده شد " (۷)  
کودتای جمعی کوچک علیه مجموعه سازمان ما با این برهان ست خود را بزک می کند: به نام تدارک کنگره، کنگره واقعی را که می باید بیانگر اراده تمام ارگان های تشکیلات باشد، لگدمال می کنند. از این آقایان که خود را مدافع دموکراسی سازمانی معرفی می کنند، باید پرسید این چگونه کنگره ای است که از یک سو دعوی دموکراسی و احترام به رای و نظرسنجی توده های فعال تشکیلات دارد و از طرف دیگر پنهان از همه آنها به کمک اقلیتی ناچیز تلاش دارد همه فاعلین تشکیلات را از حق تصمیم گیری درباره سازمانشان محروم کند و بنام سازمان آنها دوسرانه تصمیم می گیرد کنگره ای تشکیل دهد که هیچ یک از ارگان های سازمان از کمیته مرکزی گرفته تا کمیته های ایالتی تا هیچ یک از کمیته های شهرهای مختلف و بطور کلی هیچ یک از سازمان های ایالتی و ولایتی سازمان به آن نمایندگی نرسانده اند و از چنین حقی نیز محروم شده اند؟ چنین کنگره ای مطلقا متعلق به سازمان نیست. چنین کنگره ای متعلق به آقایان است ( تازه در این هم واقعا تردید است).

جهت تدارک کنگره اقدام شد " (۸)  
این اشخاص نام و سنت لنین را هم مثل اصول و موازین معتبر دیگر از دستبرد مصون نگذاشته اند. آنها برای جا انداختن نقشه های خود نهمه تاریخ حقیقی، بلکه به تاریخی که نخست خود آن را تحریف کرده اند، توسل جستند و با شاهد مثال شکسته بستهای خواسته اند، توطئه اقلیتی به کلی ناچیز را علیه مجموعه یک سازمان رزمنده پرولتری لباس کمونیستی بپوشانند. آنچه اعضای فراکسیون به آن استاد کرده اند، بر ضد خود آنها حکم می کند.  
واقعیت این است که کنگره سوم حزب سوسیال دمکرات روسیه به کوشش مجذانه لنین برای پاسخ دادن به مسائل حزب که " بر اثر فعالیت اخلاک گرانه منشویک ها دچار تفرقه شده بود، در آوریل ۱۹۰۵ - تشکیل شد. حزب پس از کنگره دوم در بحران عمیقی فرو رفته بود که اساس آن را به گتته لنین " امتناع عنودانه اقلیت کنگره دوم از تجبیت اکثریت آن (مجموعه آثار - جلد ۱ - ص ۲۱۲) تشکیل می داد " (۹).

برخلاف نتیجه گیری فراکسیونست های وطنی ما این کنگره که در لندن تشکیل شد، با وجود عدم شرکت نمایندگان منشویک ها در آن، یک کنگره صوری یک محفل اقلیت نبود. در آن ۲۴ نماینده از ۲۱ کمیته حزبی با حق رای قاطع و ۱۴ نماینده با حق رای مشورتی حضور داشتند. در حالی که منشویک ها که علیرغم دعوت لنین از ایشان برای شرکت در کنگره لندن در زانو گرد آمده بودند، تنها موفق به جلب نمایندگان ۸ کمیته شدند. انزوای آنها باعث شد که " جرات نکنند تجمع خود را کنگره بنامند و آن را کنفرانس کارکنان حزبی اعلام نمودند " (۹)  
این شاهد تاریخی خود به گویاترین نحو مدلل می دارد که هر جمعی به صرف گذاشتن نام کنگره بر آن کنگره حزبی نیست. اصلی ترین و مقدم ترین شرط برای داشتن هیأت واقعی این است که کنگره آئینه تمامی حزب و بیاد در بدترین حالت، در برگیرنده نمایندگان اکثر شعب و سازمان های حزبی باشد. جز این، تصمیمات کنگره تنها به صورت نوشته ای در روی کاغذ ایالتی خواهد ماند و به سهم خود موجب جدیدی برای تفرقه در صفوف حزب و سازمان و لگدمال کردن اراده عالیه آن و اشاعه این پراکندگی و تشتت در صفوف طبقه کارگر خواهد شد. حال ببینیم در کنگره ای که این آقایان فراخوانده اند، چند نماینده از چند کمیته سازمان حضور می یابد؟ آنها با انتشار یک خبر کاملا جعلی مدعی شده اند که افرادی به نمایندگی از جانب کمیته های ایالتی کیلان، خراسان، اصفهان، خوزستان و عده ای هم از جانب کمیته های شهرهای سنندج، اراک، تبریز و... در جلسه ای در تهران تشکیل شده به طرح کنگره و هلیل رودی رای داده اند. این خبر دروغ محض و جعل کاملا بی شرمانه و ردیانه ای است. آقایان اصلا موضوع طرح توطئه خود را در هیچ یک از کمیته های ایالتی مطرح نکرده اند. تا چه رسد به اینکه کمیته های ایالتی فوق برای تصویب این نقشه نماینده های انتخاب کرده و به تهران اعزام داشته باشند. تمام کمیته های ایالتی سازمان بلا استثنا از این نقشه بی اطلاع نگاه داشته شده اند. این اشخاص در کمال پنهانکاری تا روز آخر که بیانیه خود را انتشار می دادند، تمام سعی خود را به کار گرفتند که هیچ یک از رقای کمیته مرکزی از نقشه آنها مطلع نشوند. آخر کدام یک از این نقشه کشی های توطئه گرانه با فراخوان لنینی کنگره سوم حزب سوسیال دمکرات روسیه مشابهت دارد؟ لنین با سرپلندی و افتخار علنا و در کمال شجاعت کنگره را زمانی فراخواند که اقلیت حزب از اجرای تصمیمات حزب سر باز می زد. پلخانیف با برکاماری عناصر وابسته به جریان منشویسم در ارگان مرکزی، لنین را مستعفی ساخته بود و حزب با سیاست اقلیت حزبی رهبری می شد به اکثریت آن.

برخلاف ادعاهای عوام فریبانه فراکسیونست های وطنی ما که خواسته اند با دستبرد به نام و سنت لنین، اقدام تفرقه افکنانه و سازمان شکنانه خود را هم طراز با اقدام تاریخی لنین در تشکیل کنگره سوم سوسیال دمکرات روسیه قرار دهند، این کنگره محفلی از اقلیت ناچیز نبود. در این کنگره ۲۴ نماینده از ۲۱ کمیته حزبی با حق رای قاطع و ۱۴ نماینده با حق رای مشورتی حضور داشتند. در حالیکه منشویک ها تنها توانستند نمایندگان ۸ کمیته را گرد آورند!  
از این آقایان باید پرسید که این چگونه کنگره ای است که می خواهد به کمک اقلیتی ناچیز و پنهان از دید اکثریت قاطع فاعلین تشکیلات، برای توده های سازمانی تصمیم بگیرد؟! کنگره آنچه است که توده های سازمانی هستند.

کشیده شود و بر سر حرف هائی کاملا مهمل و بی پایه " از موضع رهبری " طبقه کارگر را سه شقه کنیم و بکشیم کارگران خوزستان را علیه کارگران تهران و تهران را علیه کیلان و دیگر جاها را علیه دیگر جاها به مبارزه وادار کنیم؟ این آقایان در تصمیم گیری برای اینکه با سازمان باشند یا سازمان تازه ای تاسیس کنند، همانقدر دقت، اصولیت و مسئولیت از خود نشان می دهند که خریداری که به سویر مارکت رفته است در تصمیم گیری برای خرید اجناس روزمره از خوددقت و مسئولیت نشان می دهد. رفتار آقایان واقعا سازمان سیاسی طبقه کارگر را با بازیچه دست کودکان خردسال اشتباه گرفته است. این آقایان هنوز هم سعی می کنند حد و عمق زیبایی را که کارهایشان به مصالح انقلاب و طبقه کارگر وارد می آورد را از چشم افراد بیوشانند و این مایه کمال تاسف است.

کنگره آنچه است که توده های سازمانی هستند. بدون حضور و در منازعه با مجموعه رهبری و قسمت اعظم بدنه سازمانی، کنگره راهگشای آقایان آیا چیزی جز یک محفل وحدت شکن از آسدر می آید؟ آیا جز این است که بهترین راه جلوگیری از یک کنگره واقعی و تبدیل آن به یک غلاف توخالی، همین راهی است که طرفداران صوری کنگره رفته اند؟ آیا نباید تردید کرد آنها بی که عدم کلیات خود را برای جلب نظر اکثریت قریب به اتفاق فاعلین تشکیلات به جانب نظرات و اهداف خود بارها آزمایش کرده اند، از بیم به آزمایش گذاشته شدن نظراتشان در کنگره، که پیشاپیش خیلی خوب می دانستند قطعا با شکستی تاریخی مواجه می شد، گوشیده اند کنگره ای تشکیل دهند که نمایندگان اکثریت قریب به اتفاق تشکیلات در آن حضور نداشته باشد. چنین کنگره ای فقط موم دست آقایان خواهد بود. چنین کنگره ای از یک کنگره واقعی که واقعا بیانگر واقعی اراده تشکیلات باشد، فرسنگ ها فاصله دارد. آیا چنین کنگره ای به کاربکتور یک کنگره واقعی و فراگیر بیشتر شبیه نیست؟

فوار از کنگره زیر شعار کنگره

فوار از کنگره زیر شعار کنگره  
آقایان! در روی کرد و غبار حرف هایها و سفطه ها به این یک سؤال منصفانه جواب دهید:  
آیا شما واقعا می خواهید اسباب و لوازم یک کنگره واقعی را که بازتاب اراده عمومی سازمان ما و سامان دهنده مسایل آن باشد، مهیا کنید، یا اسباب و لوازم برانداختن آن را؟  
آقای هلیل رودی و کشتگر که به دنبال او روان شد، پیشاپیش برای آنکه دهان های اعتراض را ببندند و محملی برای توطئه کودتایی خود بترانند، از نام برگو سنت لنین سوءاستفاده کرده اند. آنها که انگار وارت و جانشین بی چون و چرای لنین اند، خود را با او در قیاس قرار داده و نوشته اند:  
" در جریان درخواست کنگره سوم توسط لنین و مدافعان ایده های اصولی، آنگاه که لنین مطمئن شد کمیته مرکزی از برگزاری کنگره خودداری می کند، با قاطعیت تأکید کرد که کمیته مرکزی برای تشکیلات است نه تشکیلات برای کمیته مرکزی و آنگاه در

جدانشدگان از سازمان تمام فعالیت های فراکسیون و عمل توطئه گرانه خود را با تثبیت به این دو دستاویز توجیه می کنند:  
۱- تلاش در راه برگزاری کنگره سازمان.  
۲- تلاش در راه وحدت اصولی گردان های سیاسی طبقه کارگر ایران و پیش از همه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران.  
اما در عمل مشخص هم علیه کنگره اقدام کرده اند هم علیه وحدت جنبش کمونیستی ایران. اکنون ببینیم آیا آنچه این افراد بدان متوسل شده اند واقعا تلاش در راه برگزاری کنگره است و یا عکس آن؟ آنها می نویسند:

کنند. کمیته مرکزی سازمان کاملاً آماده بوده و هست که از نظر اکثریتی که بدین ترتیب بدست می آید، تبعیت کند. حتی اگر نظر اکثریت خلاف نظر اکثریت کمیته مرکزی باشد. حتی اگر نظر اکثریت کمیتهها خواستار تغییر کامل کمیته مرکزی باشد. ولی آیا آقایان هم آماده اند که به این تصمیمات گردن نهند؟ نمایندگان کمیته مرکزی همین پیشنهاد را با همین صراحت به آقایان ابلاغ کرده اند و از آنان خواستند که اگر نه در حرف که در عمل خواهان دمکراسی واقعی هستند، اگر واقعا به اراده کل تشکیلات احترام می گذارند، اگر واقعا تبعیت اقلیت از اکثریت را می پذیرند، اگر نه در حرف که در عمل واقعا خواستار این نیستند که اراده اقلیت معدودی از اعضا را بر اراده توده اصلی تشکیلات، بر اراده اکثریت قریب به اتفاق کادرها تحمیل کنند، آنها نیز بپذیرند و متصد شوند که تابع تصمیم اکثریت نمایندگانی باشند که کمیتهها برگزیده اند. اما این آقایان در کمال وقاحت خود پیراسته یک روشنگر خودخواه گفتند که "تشکیلات همراه شده است، کمیتهها دنبالهرو کمیته مرکزی هستند". آنها گفتند اول باید تشکیلات را "بیدار" کرد بعد انتخابات بشود. اکنون برای اینکه روشن شود که این آقایان مانند تمام اصلاح طلبان از لوثی بلانکی گرفته تا تروتسکی و مائو اصلاً اعتدالی به اکثریت دارند یا ندارند، برای اینکه نه در حرف که در عمل بسیمیم تا چه میزان این اعضای خود را خدمتگزار سازمان و نه سازمان را خدمتگزار خود می دانند، یکبار دیگر رسماً پیشنهاد می کنیم که این آقایان پس از اینکه خوب گوش فلک را با نوشته ها و جزوه ها و "ردیه ها"، اعلامیه ها و بیانیه های خود برگردانند، بعد از اینکه خودشان اعلام کردند که دیگر حرفی برای گفتن به تشکیلات ندارند، فقط موافقت کنند که از قطعنامه ها و تصمیمات یک اکثریت واقعی، کنگره ای که واقعا دربر گیرنده نمایندگان واقعی (که با رای مخفی همه اعضای سازمان در جلسه رسمی کنگرانها انتخاب می شوند) تشکیلات است، تبعیت می کنند. کمیته مرکزی سازمان رسماً به آقایان اطلاع داده است که اولاً با فراخواندن چنین کنگره ای کاملاً موافق است، ثانیاً موافق است که در کمیسیون تدارک کنگره، افرادی که نظر آنها را می پذیرند، هم شرکت داشته باشند. ثالثاً رسماً اعلام می کند که قطع نظر از اینکه آن تصمیمات موافق نظر فعلی اکثریت کمیته مرکزی باشد، یا نباشد، آن تصمیمات را محترم می شمارد و رعایت می کند. رهبری سازمان یقین دارد که سردرگمی روشنگرانهای که هنوز در عقب تارویود افکار این افراد بسیار ریشه دار است، مانع از آن است که اساسی ترین اصل انضباط حزبی را تکمال نهند. تمام شخصیت بلانکیستی دوران مارکس و پلخانگیستی و سپس تروتسکیستی دوران لنین و مائوئستی دوران ما که سراسر وجود این روشنفکران را تسخیر کرده است، آنها را وادار می سازد که تا آنجا موافق اجرای تصمیمات اکثریت باشند که خودشان در اکثریت باشند در غیر این صورت آنها به خود حق می دهند که بدترین دشمنان را نشان سازند، نشان بارانشان که تا دیروز در یک سنگسر بودند، کرده و راه خود را از راه آنان جدا کنند. این داوری کمیته مرکزی و بیش از ۹۵٪ تمام اعضا و کادرهای سازمان است.

ولسی آقایان با این قضاوت موافق نیستند. آنها می توانند باز هم پیشنهاد رهبری سازمان را بپذیرند و اعلام کنند که تابع تصمیمات کنگره ای خواهند بود که منتخب واقعی تمام واحدهای سازمانی است. آنها قطعاً متوجه هستند که در شرایط جدید برای نپذیرفتن پیشنهاد کمیته مرکزی دیگر هیچ بهانه ای ندارند. آنها بی که سیر پیشرفت و غلبه اندیشه انقلابی در سازمان را سر پیشرفت و سلطه حقان و استبداد در سازمان می دیدند و احساس می کردند مارکسیسم دارد دهان ایشان را به قفل و زنجیر می کشد، اکنون با یک عمل کودتائی شبانه قفل و زنجیرها را شکستند و هر چه میشان ظلمیده به چنین خوراندند و نام آن را "دمکراسی حزبی" گذاشتند. آنها دیگر کوچک ترین بهانه ای ندارند که مدعی شوند، کمیته مرکزی، تشکیلات و جنبش را از آفات آسمانی ایشان محروم ساخته است. لذا اگر واقعا نه در حرف که در عمل به ابتدائی ترین

هر تغییری که پلنوم اسفند در قطعنامه پلنوم آذر ۵۹ داد، در جهت تحکیم آن بود و هر تغییری که پلنوم مرداد در تصمیمات پلنوم اسفند وارد کرد، آن را مخدوش ساخت، بلکه مخدوش شدن آن را به وسیله زندگی و مقتضیات نوین که در بستر انقلاب سیسری توفانی صورت داد، مانع گردید. اگر جز این میشد، در این موارد این گذشته بود که بر آینده حکومت می گرد لنین همواره می گفت:

" آنچه دیروز کافی به نظر می رسید. امروز کافی نیست."

اصول تشکیلات، به مهم ترین اصل آن، به ساترالیسم دمکراتیک پایبند هستند، می توانند اعلام کنند که چنانچه کنگره مطابق صوابی که گفتیم فراخوانده شود، آنها تابع تصمیماتی خواهند بود که در آن اتخاذ می شود، حتی اگر در اقلیت قرار گیرند. که ما یقین داریم که قرار می گیرند. اقلیتی بسیار ناچیز و حقیر، و درست به همین دلیل است که آنها در حرف شعار کنگره را علم کرده اند اما عین جی از بسم الله از کنگره واقعی فرار می کنند. آنها بهمانه یک جریان هرگز از تصمیمات کنگره تبعیت نمی کنند و نمی توانند تبعیت کنند. این قانون پیکار طبقاتی است.

عناصری که خود را در حلقه یادبازی های کنگره و هلیل رودی افکندند، البته که دارای روحیات و انگیزه های متفاوتند. جای برخی از آنها از حمله هلیل رودی های آنها اصلاً در یک سازمان کمونیستی نیست. آنها هدف دیگری را از بودن در چنین سازمانی تعقیب کرده و خواهند کرد. هدف آنها سربردن به سازمان، منحل کردن و متلاشی کردن آن است. برخی هم سان کنگره ای این عده دچار همان بیماری هایی هستند که تروتسکی بدان دچار بود. یک بیماری روحفکرانه مرمی و در عین حال بسیار خطرناک. گروه سوم گروهی هستند که یا به علت سچیدگی شرایط، یا به علت بی خبر ماندن از

حقیقت مسایل و دیگر نارسائی های تشکیلات و یا به علت نداشتن فرصت برای همگام شدن با سطح تکامل فکری تشکیلات عجلانه تصمیم غلط گرفته و به راه کج کشیده شده اند. ما مطمئیم که تمامی عناصر گروه سوم کاملاً می توانند بپذیرند که چنانچه کنگره واقعی تشکیل شود از تصمیمات و قطعنامه آن کاملاً پیروی کنند، حتی اگر آن تصمیمات موافق فکر آنها نباشد، اما نه تجربیات مشابه تاریخی و نه شناخت علمی ما از روندهای مبارزه طبقاتی در جنبش کمونیستی که به جهت ردودن افکار بورژوازی از جنبش گسترش می یابند و نه شناخت رودروری ما از عناصر گروه اول و دوم هیچ کدام حاکی از آن نیست که چنین افرادی قادر باشند در عمل از تصمیماتی تبعیت کنند که منافع طبقاتی ایشان را تأمین نمی کند. چنین افرادی معمولاً آمادگی آن را دارند که به رندانه ترین و حتی ردیانه ترین دروغ بافی که محافل امپریالیستی خیره آن هستند، متوسل شوند، انواع و اقسام جاروچنجال ها و مظلوم نمائی ها را راه بیاندارند که مسئله اصلی که تعهد ایشان به تبعیت از اکثریت در کنگره است ریز خرابی حرف بوج مدفون شود. و برای اینکه چنین نشود، ما یک بار دیگر، صد بار دیگر هزاران بار دیگر می پرسیم و با صدای بلند هم می پرسیم: آقایان! آیا شما حاضرید به رای اکثریت نمایندگانی که بطور رسمی انتخاب شده، از جانب واحدهای سازمانی تمام سازمان انتخاب شده و به کنگره تمام سازمان فراخوانده شده اند، گردن نهید یا خیر؟ لطفاً به این سؤال مشخص پاسخ مشخص بدهید نه در حرف که در عمل.

کمیته مرکزی سازمان همانگونه که به شما اطلاع داده است، آماده است که هر زمان که شما آمادگی داشته باشید، نمایندگان شعب و واحدهای سازمانی سازمان طبق مقررات اساسنامه سازمان فراخوانده شوند و برامون هر مسئله ای که شما آن را مورد اختلاف می دانید، رای و نظر خود را اعلام کنید. کمیته مرکزی سازمان و همه رفقای تشکیلات مطمئناً تابع تصمیماتی خواهند بود که این کنگره اعلام می نماید.

کمیته مرکزی سازمان همچنان بر این موضع بوده و هست. کمیته مرکزی سازمان همواره مدافع واقعی کنگره ای بوده و هست که بیانگر اراده واقعی مجموعه شعب و سازمان های ایالتی و ولایتی سازمان باشد.

این بحث ادامه دارد



- ۱- "مجموعه آثار و مقالات" ترجمه: محمدیورهرمان، ص ۳۱۵ (مسائل مورد مناظره)
- ۲- با انحلال طلبی مبارزه کنیم از وحدت اصولی دفاع نسائیم (بیانیه کودتا) ص ۱۱
- ۳- مجموعه آثار جلد ۱ - ص ۶۵
- ۴- ۵ و ۵- با انحلال طلبی ... ص ۱۰
- ۶- همان منبع ص ۱
- ۷- همانجا ص ۱۸
- ۸- با انحلال طلبی ... ص ۱۷
- ۹- ۱۰ و ۱۰- تاریخ حزب کمونیست اتحاد شوروی از انتشارات حزب توده ایران، جلد اول ص ۱۰۲

### تصحیحات ضروری

در کسار شماره ۱۴۱، در تیتراژ و نایب مطالب اشتباهاتی صورت گرفته که با پوزش از خوانندگان به شرح زیر تصحیح می شود

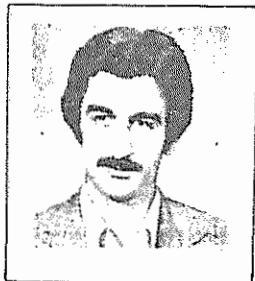
۱- صفحه ۱۵، در تیتراژ قطعنامه پلنوم مرداد حرف "با" اضافی است و آنچنانکه در نسخه های انتشار یافته در مرداد ماه ۶۰ دیده می شود، تیتراژ صحیح عبارت است از:

قطعنامه پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بیرامون وظایف مبارزه در راه وحدت حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) مرداد ماه ۱۳۶۰

۲- صفحه ۱۵، در مدخل مقاله "تصمیمات تاریخی پلنوم مرداد" سطر اول پاراگراف آخر کلمه "پیشداوری" غلط است و به جای آن "داوری" درست است.

۳- صفحه ۱۲، مصاحبه رفیق جمشید ظاهری پور، ستون اول پاراگراف سوم، سطر سوم به غلط "ضربزدن به اعتماد مردن-تایب شده است که درست آن "ضربزدن به اعتماد مردم" است.

به بیان  
استاد  
شهید  
کامران  
نجات  
الهی



سبحم دی ماه، سوسی  
سالگرد شهادت کامران  
نجات اللیبی اسد مبارز  
دانشگاه اسد  
نجات اللیبی در جریان  
تحصیل داوطلبانه

دانشگاه در دی ماه ۵۷  
هدف گلوه در حین رزم  
جلاد شاه مدوم فرار گرفت  
ساحوا مردانه به شهادت  
رسد

شهادت این استاد جوان  
و مبارز کهنه هزاران نمونه  
ارقد آوری و ایثار دانشگانیان  
اسفلی ایران در مبارزه برای  
استقلال، آزادی و عدالت  
اجتماعی است.

سازمان ما سالگرد شهادت  
استاد نجات اللیبی را گرامی  
می دارد. و در این فرصت  
بار دیگر بر گشایی دانشگاه ها  
این سنگر پیکار در راه  
استقلال، آزادی و عدالت  
اجتماعی تاکید می نماید.

# حافظ اسد : شوروی همسایه خطرناک است نیرومندی در کنار هم پیمانان خود خواهد ساخت

انقلاب اسلامی ایران شدیداً علیه اسرائیل مبارزه می‌کند و با اشغالگران سرزمین‌های عربی توسط اسرائیل مخالفت می‌کند .  
(حافظ اسد)

اخیراً روزنامه اطلاعات در شماره‌های ۳۰ آذر و اول دی ماه خلاصه متن مصاحبه حافظ اسد با سردبیر روزنامه "الرای العام" و مدیر مجله "النهضة" چاپ کویت را منتشر ساخت . حافظ اسد در این مصاحبه مواضع سوریه را پیرامون یک رشته مسائل مهم منطقه بیان نمود .  
از آنجا که سوریه یکی از اعضای فعال و نیرومند جبهه پایداری است که در مقابل توطئه‌های امپریالیسم و صهیونیسم علیه جنبش‌ها، تظاهرات و تظاهرات، راهپیمایی‌ها، تظاهرات، اطعانه ایستاده است و دولت جمهوری اسلامی ایران نیز بارها حمایت و پشتیبانی خود را از جبهه پایداری اعلام نموده بررسی مختصر و یادآوری مواضع سوریه پیرامون برخی مسائل طرح شده در مصاحبه حافظ اسد را برای داشتن درکی روشن‌تر نسبت به مواضع نزدیک‌ترین دوستان انقلاب ایران ضروری می‌دانیم . مردم ما که هم‌اکنون درگیر مبارزه‌های حاد با توطئه‌های شیطان بزرگ و اذتاب آن در منطقه می‌باشند ، باید که از تجربه سایر دوستان خود در دیگر کشورهای که دارای تجارب گرانقدری در مبارزه با دشمنان استقلال و آزادی میهن خود هستند یاموزند و مقابل تجارب پر رخ انقلاب ایران را به دیگر خلقهای مبارز جهان منتقل نمایند .

هستیم که شکاف میان رژیم‌های مرتجع عرب که همگی تظاهر به دفاع از حقوق مردم فلسطین می‌نمایند با کشورهای جبهه پایداری عمیق‌تر از گذشته گردیده است . این نیست مگر در نتیجه وجود مواضع کاملاً متفاوت نسبت به امپریالیسم . آن رژیم‌های مرتجعی که هستی خود را با امپریالیسم آمریکا پیوند زده‌اند ، هیچگاه نمی‌توانند از حقوق مردم فلسطین و سایر خلقهای عرب دفاع کنند . آنها در همان راهی گام می‌گذارند که سادات آغاز کرد و رژیم مرتجع سودی و نظایرش پیروان آن هستند . حافظ اسد در مصاحبه خود با اشاره بدین مضمون گفته است :

"مهمترین مسأله محور وحدت و همبستگی ما، می‌تواند موضع واحد در مقابل مبارزه اعراب و اسرائیل باشد ، چرا که این مهمترین مسأله زمان ماست اگر نتوانیم در این زمینه موضع واحد اتخاذ کنیم ، سخن از همبستگی بیهوده خواهد بود . مهم این است که هرگز یاس را به خود راه ندهیم هرچقدر مشکلات و سختی‌ها و شکست‌هایی که بر ما وارد شده ، و می‌شود گران باشد . هیچ راهی جز مقاومت ، رویارویی و در نهایت استرداد حقوق از دست‌رفته در برابرمان نیست ."

ب - تروریسم حربه دشمنان شکست خورده است

در روزهای اخیر در نتیجه انفجار مهیبی که در یکی از میادین دمشق روی داد ، بیش از یکصد نفر از مردم عادی جان خود را از دست دادند . همزمان با آن انفجارهای مشابهی نیز در بیروت اتفاق افتاد . آنچه در دمشق روی داد با وقایع تروریستی ماههای اخیر ایران از یک ریشه واحد برمی‌خیزد . در آنجا امپریالیسم آمریکا و ایادی

آن زمانی که توطئه کمپ‌دیوید راشکست خورده و متفحص یافتند ، زمانی که نتوانستند طرح امریکایی نفوذ را در کنفرانس فاس بر مردم عرب تحمیل کنند ، و سرانجام زمانی که سوریه را در برابر توطئه‌های امپریالیسم و صهیونیسم سازش‌ناپذیر برای بازو درآوردن آن سرزمین تروریست و کشتار جمعی مردم بی‌دفاع متوسل شدند . چنین شیوه‌ای جز منطق راهزنان آمریکایی نیست حافظ اسد در این مورد گفته است :

"... این انفجار و حوادث کشتار و ترور و همه جنایاتی که در ضمن یک برنامه سیاسی ( طرح‌ریزی شده است ) این هدف را دنبال می‌کند که سوریه را به زانو درآورد تا در برابر طرح‌های امپریالیستی مطرح در منطقه مقاومت سیاسی علمی این انفجار پوچی کامل برنامه‌ریزی کمپ‌دیوید و مزدوران غیر مستقیم کمپ‌دیوید از کشورهای عربی محیط به سوریه را ثابت می‌کند"

کافی است بیاد آوریم در میهن انقلابی ما نیز زمانی که امپریالیسم آمریکا از پیشبرد توطئه سیاسی روی کار آوردن دولت میانه‌رو و به سازش کشاندن انقلاب قطع امید کرد با حربه تروریسم از مردم و رهبران سازش‌ناپذیر آنها انتقام گرفت " این مسأله بار دیگر مویذ این امر است که تروریسم بیش از پیش به سیاست رسمی امپریالیسم آمریکا مبدل گردیده است .

پ - شوروی همچنان در کنار سوریه باقی خواهد ماند

در هفته‌های گذشته میان دولت متجاوز اسرائیل و آمریکا یک قرارداد استراتژیک امضا شد گرچه در نفس امر نام استراتژیک نهادن بر این قرارداد بسیار بی‌معنی است چرا که بدون این قرارداد نیز میان امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم اسرائیل علیه استقلال و آزادی خلقهای

منطقه وحدت استراتژیک وجود دارد ، اما بهر جهت عقد این قرارداد جدید با اسرائیل بیانگر تشدید سیاست تروریستی و تجاوزکارانه امپریالیسم در منطقه است . در مقابل ، موضع اتحاد شوروی در برابر نقشه‌های تجاوزکارانه و توسعه‌طلبانه امپریالیسم و صهیونیسم ، دفاع قاطع از جبهه پایداری جنبش مقاومت فلسطین بوده است . این پشتیبانی و همکاری متقابل برخلاف رابطه آمریکا و اسرائیل یا رابطه آمریکا با رژیم‌های مرتجع عرب با منافع استقلال و آزادی خلقها و کشورهای منطقه کاملاً انطباق دارد .

اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی در مبارزه علیه امپریالیسم و دفاع از استقلال واقعی کشورها ، به مثابه بزرگترین دوست و متحد دولت‌های ترقیخواه و توده‌های مردم بوده و خواهد بود . این یک پدیده اتفاقی ، و یا غیر منطقی نیست که حافظ اسد با قاطعیت تمام از پیمان دوستی سوریه و شوروی دفاع می‌کند و آن را منطبق با مصالح سوریه و اعراب می‌داند . همانگونه که با قاطعیت از انقلاب ایران دفاع کرده است . و این مسأله‌ای است که متأسفانه در جمهوری اسلامی ایران هنوز درک روشن از آن وجود ندارد . امروز در جهان تمام مردمی که علیه امپریالیسم مبارزه می‌کنند ، تمام کشورهای از بند رسته در وجود اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی بزرگترین و مطمئن‌ترین دوستان خود را می‌یابند . دشمنی با اتحاد شوروی و جلوگیری از گسترش پیوندهای انقلاب ایران با شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی با هر نیتی که باشد جز به سود دشمنان انقلاب ایران نخواهد بود . حافظ اسد در مصاحبه خود در مورد پیمان دوستی سوریه و شوروی گفته است :

"... در مورد اتحاد شوروی باید بگویم که این کشور در کنار ماست و از ما

از نظر تسلیحاتی حمایت خوبی می‌کند . و پیشرفت روابط سوریه و اتحاد شوروی به مصلحت سوریه ، اعراب ، اتحاد جماهیر شوروی است ... از دیدگاه ما شوروی همچنان دوست نیرومندی در کنار هم‌پیمانان خود خواهد ماند همانگونه که تجربه جنگ اکتبر ثابت کرد "

ج - سوریه قاطعانه از انقلاب ایران پشتیبانی می‌کند

اکنون مدتی است رژیم صدام و برخی دیگر از رژیم‌های مرتجع منطقه در بوق‌های خود تبلیغ می‌کنند که جمهوری اسلامی ایران از رژیم صهیونیستی اسرائیل اسلحه خریداری کرده است این تبلیغات از جانب نیروها و دولت‌های مرتجعی دامن زده می‌شود که خود به دنباله‌روی از سیاست‌های ضد مردمی امپریالیسم آمریکا در منطقه معروف هستند ! منظور آنها از اینگونه تبلیغات مخدوش کردن چهره واقعی انقلاب ایران و جدا کردن آن از دوستان و متحدانش در سراسر جهان است . رژیم صدام که در جبهه‌های جنگ تحمیلی هر روز با شکست‌های فزاینده‌تری مواجه می‌شود با تشبث بدینگونه تبلیغات می‌کوشد با پیاده‌های شکست خود در میان مردم عراق مقابله کند . ولی دوستان انقلاب ما که درگیر مبارزه با امپریالیسم جهانی و صهیونیسم هستند خود با تهاجمات بی‌قرار داشته‌اند ، چنین تبلیغات رسوایی را هیچگاه باور نخواهند کرد . آنها بیش از پیش بدین واقعیت توجه می‌نمایند که انقلاب ایران به منافع امپریالیسم در منطقه ضربه‌های جانانه‌ای وارد کرده و هم‌اکنون نیز امپریالیسم آمریکا و رژیم‌های مرتجع منطقه هر روز توطئه جدیدی را علیه آن سازمان می‌دهند . حافظ اسد در پاسخ به تبلیغات رژیم‌های مرتجع منطقه علیه انقلاب ایران می‌گوید :  
بقیه در صفحه ۲۰



### به جنایت بزرگ مهاباد رسیدگی کنید

## سپاه پاسداران مهاباد را از عوامل ضدانقلاب پاکسازی کنید

ایادی فتوالمهای منگور که توسط سپاه پاسداران مهاباد مسلح و به خدمت گرفته شدند، ده نفر از مردم مهاباد را کشتند و چندین خانه را به آتش کشیدند.

فرمانداری، جهادسازندگی و بنیاد شهید شهر مهاباد با صدور اعلامیه مشترک فاجعه کشتار مردم را محکوم کردند و خواستار مجازات عاملین این جنایت شدند.

در پی اعدام ۱۳ نفر از اهالی مهاباد توسط دادگاه انقلاب ارومیه، موجی از ناآرامی عدم امنیت، رعب و وحشت سراسر شهر مهاباد را فرا گرفت. همانگونه که انتظار میرفت ضدانقلاب با بهره‌برداری از این فضا به پایگاه‌های سپاه پاسداران مهاباد مسلحانه یورش آورد که در نتیجه آن یکی از افراد مسلح وابسته به فتوالمهای منگور کشته و پنج نفر دیگر مجروح شدند. سپاه پاسداران مهاباد چندی پیش گروهی از فتوالمهای منطقه منگور مهاباد و افراد وابسته به آنها را که دارای سابقه خدمتگزاری به رژیم شاه، شرارت، راهزنی و آزار و اذیت مردم هستند، به همکاری، دعوت و آنها را مسلح کرده بود.

صبح روز پس از این واقعه (سه‌شنبه اول دیماه) افراد منگور که همواره منتظر چنین وقایعی هستند تا دست به هر جنایتی بزنند محله‌های مجبورآباد و سفاسیاب مهاباد را محاصره کرده و پس از خارج نمودن مردم از منازل، زن و مرد و پیر و جوان را به رگبار می‌بندند که در نتیجه این عمل جنایتکارانه و ضدانقلابی بیش از ده نفر از مردم شهادت می‌رسند و دهها نفر دیگر مجروح

با دامن‌زدن به ناامنی و سلب اعتماد مردم نسبت به جمهوری اسلامی ایران، بتدریج و با در فرصت مناسب آن را از پای درآورد. اشرار منگوری که توسط سپاه پاسداران مسلح و به خدمت گرفته شده‌اند، قبل از ارتکاب جنایت بزرگ مهاباد، بارها به اعمال خلاف قانون، آزار و حتی قتل مردم مادتت کرده بودند. مردم مهاباد در برابر اعمال ضدانقلابی این دژ و دستسبه شکایات متعددی به مقامات جمهوری اسلامی در منطقه تسلیم کرده بودند که هیچگونه رسیدگی بعمل نیامده و حتی اشرار منگور از حمایت فعال‌تر برخی مسئولین سپاه پاسداران مهاباد برخوردار گردیدند.

در هفته‌های اخیر پس از برقراری آرامش نسبی در مهاباد، و بازگشت زندگی مردم به حال عادی، یک سری حرکات تشنج‌آفرین و مشکوک توسط گروهی از سپاه پاسداران در سطح شهر آغاز شده بود. این حرکات عبارت بود از اقدام به دستگیری و بازداشت دسته‌جمعی مردم در کوچه و خیابان و پیرونده‌سازی همراه با شکنجه برای تعدادی از افراد بازداشت شده که در موارد متعدد منجر به اعدام افرادی گردیده که در هیچیک از درگیری‌های مسلحانه شرکت نداشته و حتی برخی از آنها فعالیت سیاسی نیز نداشته‌اند. مردم مهاباد اکنون با چنین نمونه‌هایی بخوبی آشنا هستند. مثلاً مردم مهاباد بخوبی اطلاع دارند که ملا تقسیم سوجهای از یک سال پیش با تأیید آیت‌الله منتظری امان‌نامه دریافت داشته و با هیچیک از گروهک‌های ضدانقلابی همکاری نداشته است. و یا محمدکریمی، باربر زحمتکشی است که اصلاً در زندگی، کاری از مسائل سیاسی نداشته است جنین افرادی در نتیجه این پیرونده‌سازی‌ها در روزهای اخیر در ارومیه اعدام شدند.

تقویت ضدانقلاب ندارند. آنها سیاست امریکا را در این منطقه پیاده می‌کنند. آینده ماهیت واقعی چنین افرادی را پیش روشن خواهد نمود. در نتیجه این اعمال بی‌رویه و خلاف قانون، ناامنی نگرانی شدید، ترس و وحشت بی‌سابقه‌ای فضای شهر را فرا گرفته است. اکنون تمام خانواده‌های شهر نسبت به حان فرزندان خود بیمناکند و شهر در یک حالت انفجاری قرار گرفته است. در بسیاری از منازل عزاداری است و آنهایی که تکلیف فرزندان و یا سرپرست خانواده‌شان روشن نشده بیشتر از بقیه نگرانند.

\* \* \*

در جریان بازداشت‌های دسته‌جمعی مردم توسط سپاه پاسداران شش نفر از رفقای ما نیز به نام‌های:

- ۱- جمشید فاضلی
  - ۲- مصطفی دهیگری
  - ۳- محمدامین سوجهای
  - ۴- صدیق صدیقی
  - ۵- قادر رشادت
  - ۶- مصطفی امامی
- علیرغم اینکه سپاه پاسداران از وابستگی این رفقا به فدائیان (اکثریت)

اطلاع دارد بازداشت شده‌اند. برخی از این رفقا در جریان بازجویی مورد شکنجه قرار گرفته و علیه آنها پیرونده‌سازی شده است که با توجه به موارد مشابه در مورد زندگی و سلامت این رفقا جای نگرانی فراوان است. با توجه به ایجاد فاجعه‌آمیز آنچه در مهاباد روی داده است، اتمام نهب‌ها و ارگان‌های دی‌صلاح بخصوص پزشکی کل کشور و مسئولین دست‌اندرکار مسائل کردستان می‌خواهیم با مراجعه به مردم مهاباد که زنده‌ترین شاهد صحت این گزارش هستند، عوامل ضدانقلابی و قانون‌شکن را از سپاه پاسداران مهاباد پاکسازی نمایند. این یک نیاز مرم و ناخیرناپذیر است. اعتماد مردم به انقلاب و قانون باید با مجازات جنایتکاران و قانون‌شکنان در مردم مهاباد احیاء نمود. نیروهای مردمی خواهان آنند که رهنمودهای امام خمینی در مورد کردستان به اجرا درآید و عواملی در نهاد‌های مسئول جمهوری اسلامی در منطقه که در این زمینه خرابکاری می‌کنند افشاء و مجازات شوند.

از صفحه ۲

## رژیم‌های امریکائی...

صلح و سوسیالیسم است. شرط پیروزی در وحدت همه اقشار و نیروهای خلق است، این حکم درست تاریخ است که اگر همه مردم با هم متحد باشند، امریکائی هیچ غلطی نمی‌تواند بکند. ما بار دیگر دعوت کمیته مرکزی سازمان را تکرار می‌کنیم:

هم‌میهنان مبارز!  
انقلاب ما لحظات حساسی را پشت سر می‌نهد. توطئه جدید امپریالیست‌ها و مرتجعین در حال تکوین است. خلق ما بی‌گمان توان آن را دارد که این توطئه‌ها را نیز در هم شکند، دست در دست یکدیگر بگذاریم

با هر مرام و عقیده‌ای که هستیم چه در جنبه‌های جنگ چه در جنبه‌های تولید، چه در سایر سگ‌رهای که هستیم، انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را که تیره خون دهها هزار شهید ماست، برپا و سرافراز نگاه داریم. امروز تاریخ از تک‌تک ما فداکاری و جانبازی می‌طلبد، عزم و شور انقلابی می‌طلبد، اتحاد و یکپارچگی می‌طلبد، همه با هم حول رهبری امام خمینی متحد شویم و همه توطئه‌های تجاوزکارانه امپریالیست‌ها و مرتجعین را درهم شکنیم.

نکشیم تا با استقرار صلح عادلانه در کردستان وحدت مردم میهنان را

علیه امپریالیسم امریکا تحکیم بخشیم

محدودیتی. در چپاولگری سرمایه‌دارها بوجود می‌آورد. شدت مخالفت با این لایحه مخالفت کرده‌اند. آقای واعظی نماینده محترم مجلس شورای اسلامی با کمال صراحت و بدون کوچکترین خجالتی در جلسه رسمی مجلس در مخالفت با دولتی کردن بازرگانی خارجی فرموده‌اند:

" برداشت‌هایی که امروز می‌شود، برخلاف شریعت اسلام است. من می‌ترسم از ترس کمونیستی گرفتار اصول کمونیستی شوم "

این آقای نماینده در مجلس نشسته که با هر کاری که به نفع سرمایه‌دارهای زلوفت نباشد مخالفت کند این آقای محترم بیان دیگر همفکرانش یگانه راه دفاع از سرمایه‌دارها را این می‌داند که به‌روزی هر اقدامی که استقلال و شرف ملی را تاسمین می‌کند، به روی اقدامی که می‌خواهد حتی اندکی غارتگری سرمایه‌دارها را مهار کند، انگ و برچسب " خلاف شرع " و " مارک کمونیستی " بزنند.

همفکر دیگر این آقای نماینده به نام آقای طاهری نیز در مخالفت با کلیات لایحه سخنرانی کرده و در مجلس در حضور همه نمایندگان مردم با توسل به زشت‌ترین شیوه‌های فرصت‌طلبانه و غرض‌الوسود گفته است:

" هرچه دولتی شود و در انحصار دولت درآمد مسا اکثر می‌گوئیم نتیجه‌اش عکس بود... موقعی که امام در پاریس بودند، هیچ سخنی از تجارت خارجی نفرمودند. این مسأله قابل توجه است که تنها وقتی مسأله تجارت خارجی در مجلس خبرگان مطرح شد، گروه‌های چپ شعار می‌دادند که تجارت خارجی باید دولتی شود "

آقای طاهری در کمال تأسف در مقام یک نماینده مجلس شورای اسلامی امام خمینی را متهم می‌کند که قبل از قرار گرفتن در راس امور کشور، حرف‌های دیگری می‌زده‌اند که امروز آن حرف‌ها را نمی‌زنند. این هم توهین است هم قلب واقفیت. امام از همان سال بقیه در صفحه ۱۹

واردکننده کالا در این چهار سالی که برای انقلاب سرنوشت‌ساز است متوجه انقلاب و کشور خواهند کرد و هم‌اکنون دارند می‌کنند صدها برابر بیش از ریان

کشور ما در شرایط کاملاً عادی بسر می‌برد، خوب این فرصت ۴ ساله را ممکن بود به‌گونه‌ای توجیه کرد. ولی پرسیدنی است با این فشار اقتصادی و ارزی که به‌ویژه

تجار هستند که تصمیم می‌گیرند که چه کالاهایی را به چه اندازه و در چه موقع وارد کنند تا بیشتر سود برند. تا حربه منفعت حیث فکر می‌کند نه به

اکنون پس از تصویب کلیات لایحه دولتی کردن بازرگانی خارجی در مجلس شورای اسلامی که ماه گذشته انجام گرفت، مردم منتظرند ببینند فرجام کار لایحه در مجلس شورای اسلامی به کجا می‌انجامد؟ لایحه‌ای که اگر از هفت خوانی که تمام لواج باید پشت سر بگذارند و چیزی بیش از گوش و دم آن بریده نشود، گام بلند هر چند ناقص در جهت تحقق اهداف مردمی انقلاب شکوهمند مردم ماست. گاهی که باید با برداشتن گام‌های دیگری به‌گونه‌ای تکمیل شود که واقعا هم جنبه‌های صدام‌پرستانه و استقلال‌طلبانه دولتی کردن بازرگانی خارجی را شکوفا سازد و هم جنبه‌های مردمی و عدالت‌جویانه‌ای را که مردم طلب می‌کنند.

چه کسانی با کلیات لایحه مخالف‌اند؟

### مدافعان سرمایه‌داری در کار مسخ لایحه ملی کردن بازرگانی خارجی

• توزیع داخلی کالاهای وارداتی و کالاهای تولید داخلی باید بطور عمده برعهده تعاونی‌های صنفی و بخش دولتی قرار گیرد.

• سرمایه‌های بخش خصوصی، بجز کسبه و پیشه‌وران باید از دخالت در توزیع داخلی منع شوند و فعالیت آنها مطابق قوانینی که تدوین می‌شود، در صنعت و کشاورزی مورد حمایت قرار گیرد.

#### نظر آقای عسگر اولادی

درباره توزیع داخلی

نادرست و مبهم است



از روزنامه جمهوری اسلامی ۲۲ دی ۶۰

اختلافات فنی و تکنیکی است که احتمالاً ممکن است بر اثر شتاب روند دولتی کردن در کارها پیش‌بینی‌شده اما به‌رحال همانگونه که گفتیم خلغ پید از سرمایه‌داران واردکننده کالا و محول کردن مسئولیت خرید کالا از خارج بر عهده دولت، گام مثبت و شجاعانه‌ای است که اکثریت مجلس برداشته است هر چند که زمان ۴ ساله‌ای که برای آن در نظر گرفته شده به نظر ما با توجه به شرایط موجود بسیار طولانی است.

بسیار طولانی است. به‌محافظه‌کارترین نمایندگان مجلس، آنها که با هر اقدامی که بخواهد کوچکترین

از جانب امپریالیست‌ها بر ما وارد می‌شود و با وجود این جنگ تحاورکارانه صدامی امریکایی آیا باز هم می‌تواند ۴ سال کج‌دار و مریز رفتار کرد؟ به اعتقاد ما تنگنای موجود و جدت شرایط کاملاً ایجاب می‌کند که دولت جمهوری اسلامی ایران هم تمام‌ارز حاصله از فروش نفت و سایر کالاهای را دقیقاً طبق برنامه‌ریزی که تماماً متوجه حفظ و گسترش دستاوردهای انقلاب است، مصرف کند، و هم قیمت‌گذاری و نحوه فروش کالاهای وارداتی را زیر نظر و کنترل خود بگیرد. به نظر ما ضرابت و زیان‌هایی که سرمایه‌داران

مصلحت مردم. وقتی کار تجارت خارجی در دست دولت نباشد، ارز کشور صرف وارد کردن اجناس نخل و پرمشتری در بازار می‌شود نه صرف خرید صنایع سنگین و نیازهای توسعه صنعتی. وقتی تجارت خارجی در دست دولت نباشد، بازار کشور پر از کالاهای بنجل مصرفی غربی خواهد شد زیرا هم آب کردن این کالاها در بازار برای تجارت سود بیشتری دارد و هم سیاست امپریالیست‌ها این است که کشور ما را از صنایع اساسی محروم نگاهدارند. آنها فقط حاضرند که اجناس مصرفی خود را در بازارهای ایران بفروشند. اگر تجارت خارجی در دست تجارت باشد، آنها قطعاً اقتصاد ما را با سرمایه‌داری، وابسته و کشور ما را از داشتن صنایع سنگین و خودکفایی محروم خواهند ساخت.

لایحه بازرگانی خارجی از آنجا که دست تجارت را از برنامه‌ریزی و تعیین سیاست ورود کالا کوتاه می‌کند و این مهم را به دولت می‌سپارد گام بسیار مهمی در جهت استقلال اقتصادی ایران برداشته است البته لایحه برای محول کردن تمام بازرگانی خارجی به دولت ۴ سال مهلت در نظر گرفته است که به نظر می‌رسد مدت بسیار زیادی است زیرا اگر

به حق باید گفت که کلیات لایحه می‌تواند در مناسبات اقتصادی ایران با بازارهای جهانی تغییرات جدی بدید آورد. سیاستی که در زمان شاه در زمینه تجارت خارجی دنبال می‌شد سیاستی بوده است که بدترین زبان‌ها را به استقلال اقتصادی ما وارد آورده و بیشترین منفعت را به کسبه سرمایه‌داران بزرگ ریخته است. مطابق قوانین زمان شاه هرکس آراد بود هر چیز که دلش می‌خواهد، هر چیز که برای او می‌تواند سود بیشتری داشته باشد، از کشورهای امپریالیستی غارتگر به ایران وارد کند و در بازار ایران بفروشد. کار به جایی رسیده بود که تقریباً همه مایحتاج مردم از نان گرفته تا پوشاک و مصالح ساختمانی و کالاهای صنعتی پیشرفته همه و همه از خارج وارد می‌شد و برای ما فقط مانده بود یک مشت صنایع مونتاژ که بدون غرب به مفت هم نمی‌آوردند ۹۸ درصد بازرگانی خارجی ایران با کشورهای امپریالیستی و فقط چیزی حدود ۲ درصد با کشورهای سوسیالیستی بود. این سیاست روز به روز دست ملت ایران را بیستی امپریالیست‌های امریکایی، اروپایی و ژاپنی درازتر می‌کرد. در زمان شاه و بطور کلی در زمانی که تجارت خارجی دولتی نباشد، این

### مدافعان سرمایه داری . . .

از صفحه ۱۸

۴۲ مدام روی خواست‌های محرومان جامعه و مقابله با کاخ‌نشین‌ها و طاغوتیان صحت کرده‌اند و می‌کنند امام خمینی از ابتدا این انقلاب را انقلاب کاخ‌نشین‌ها علیه کاخ‌نشین‌ها نامیده‌اند و می‌نامند. این امثال آقای طاهری‌ها هستند که سابق بر این خود را موافق امام قلمداد می‌کردند و امروز بر ایشان و پیروانشان خرده می‌گیرند که چرا قبل از انقلاب از این حرف‌ها نزنده‌اند. آقای طاهری! آن روز هم همین حرف‌ها مطرح بود. منتها شما و امثال شما در گوش خود را می‌گرفتید تا بلکه بتوانید خود را با آینده انقلاب همراه نشان دهید تا اگر بتوانید در فرصت‌های بعدی آن را همراه سرمایه‌داری بکشانید.

حالب است که آقای طاهری عین همان حرف‌های چپ‌زده‌های آمریکایی را تکرار می‌کند. منتهی چپ‌های آمریکایی مدعی‌اند که امام وقتی در پاریس بود به‌سود مردم حرف می‌زد و حالا علیه مردم شده است و آقای طاهری می‌گوید امام وقتی در پاریس بود علیه سرمایه‌دارها حرفی نزنده بود و حالا می‌زند. اما علی‌رغم این مخالفت‌ها کلیات لایحه با اکثریت قاطع نمایندگان مجلس به تصویب رسید.

معنای دولتی کردن تجارت خارجی این است که دولت برای تجار کالا وارد کند

بحث اصلی پیرامون دولتی کردن بازرگانی خارجی پس از تصویب کلیات لایحه بحثی است پیرامون مسأله توزیع داخلی مسأله حاد مورد بحث در این زمینه آن است که آیا دولت باید کالاهایی را که از خارج می‌خرد و وارد می‌کند از همان ابتدا در اختیار تجار بخش خصوصی بگذارد که آنهاروی آن معامله کنند یا

و در بخش تجارت داخلی به هیچ وجه ما منع نمی‌خواهیم داشت و سعی خواهیم کرد که از تمام نیروها و امکانات بخش خصوصی در داخل استفاده کنیم"

تجربه تمام کشورهایی که تجارت خارجی را ملی کرده‌اند بارها و بارها نشان داده است که هر کجا که کالاهای وارداتی کالا در اختیار تجار بودجو قرار گرفته است عملاً دولت به خدمتکاران آن تجار بدل شده و ماوراان حکومتی عملاً کارگزار عامل تجار و

می‌کنند. بعد آنها را به تدریج به بازار می‌آورند و با قیمت دو، سه و حتی چند برابر می‌فروشند. میلیارد میلیارد سود به جیب می‌زنند. همه مردم می‌دانند که اگر به تجار اجازه داده شود که روی اجناس مورد نیاز مردم معامله کنند اگر به کسی اجازه داده شود که اجناس را از این دست بخرد و از آن دست بفروشد، مردم بر اثر احتکار هم با قحطی‌های دائمی و مکرر مواجه خواهند بود و هم قیمت‌ها غیرقابل کنترل خواهد شد. و گرانی همواره بیداد خواهد کرد اگر قرار باشد، تجارت

واعظی نماینده مجلس در مخالفت با دولتی شدن بازرگانی خارجی گفت :  
" این برداشت‌هایی که امروز می‌شود، برخلاف شریعت اسلام است من می‌ترسم از ترس کمونیست گرفتار اصول کمونیستی شوم"

داخلی به بخش خصوصی سپرده شود، باید بدانیم که این کشور رنگ عدالت اجتماعی به خود نخواهد داد. تجار سرمایه‌دار روی زندگی مردم دائم معامله می‌کنند و بدون اینکه کوچکترین زحمتی کشیده باشند میلیاردها میلیارد ثروت کشور را به جیب می‌زنند. کسی که این طرح را می‌دهد که دولت به جای سرمایه‌دارها برود از خارج کالا بیاورد و در ایران تحویل سرمایه‌دارها بدهد که روی آن معامله کنند، آن کالاها را احتکار کنند و زندگی را بر مردم حرام کنند در عمل دولت را به کارگزار و خدمتکار سرمایه‌دارهای زالوشت بدل می‌کند. با کمال تأسف آقای حبیب‌الله عسگراولادی مسلمان که وزیر بازرگانی کابینه است معتقد نیست که دست تجار بزرگ از معاملات عمده داخلی کوتاه شود. عسگراولادی مسلمان در مصاحبه رادیویی صبح روز یکشنبه ۶ دی می‌گوید:

" . . . منتهی ما در تجارت خارجی قانوناً نمی‌توانیم این اجازه را بدهیم. اما در بخش توزیع و در بخش داخلی

" در مورد تجار ما در مورد بنکدارها همان در مورد کسانی که تمکنی دارند . . . هیچ منع قانونی و شرعی برای اینها وجود ندارد و فعالیت اینها کاملاً ادامه دارد"

معنای رک و پوست‌کنده این حرف این است که دست سرمایه‌دارهای بخش خصوصی باز است که هم روی کالاهای وارداتی جنگ بیاورند و هم روی تولیدات داخلی و هم هیچ منع قانونی و شرعی هم شر راه آنها نیست

برداشت آقای وزیر از تعاونی و نقش آن مبهم است

وزیر بازرگانی هم در این مصاحبه و هم در گفتارهای قبلی از سپردن توزیع به تعاونی‌ها نام برده است و از جمله در اطلاعات ۳ آور می‌گوید

" ارتباط با بیگانه برای خرید به تصدی دولت درخواهد آمد و توزیع داخلی به وسیله تعاونی‌ها و در موارد کمبود به وسیله بخش خصوصی انجام خواهد گرفت و جز در ضرورت‌ها، توزیع دولتی نخواهد شد

همس آقای وزیر احیاً بطور صریح گفته است :

" لذا باز تکرار می‌کنیم در تکنها و در زمان‌های محدود باید شیوه سهمیه‌بندی مورد نظر باشد و در صورت‌ها که به خاطر مسائل جنگ و یا محاصره اقتصادی پیش می‌آید، سیستم تعاونی می‌تواند توزیع عادلانه و خوبی در پی داشته باشد و هر گجا که این دو اشکال نیست چنانکه قانون اساسی توزیع راه مردمی و آزاد اعلام کرده باید چنین باشد"

اما این اظهارات آقای وزیر دارای دو اشکال بسیار مهم است که اگر امروز رفع نشود فردا منشا مشکلات

نصفه در صفحه ۲۰

گسسته باد همسه وابستگی‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی، و فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم امریکا

### مدافعان سرمایه داری...

از صفحه ۱۹

بسیار خواهد بود. آقای وزیر در این سخنان توضیح نمی دهد که :

اولا - منظور ایشان از تعاونی چیست ؟ آیا منظور همان شرکت سهامی است که نامش تعاونی شده ؟ یا منظور از شرکت تعاونی، نهادهای است که تمام کارکنان، جزء، مشاغل در صنف را دربر می گیرد و هیچ فردی بیش از یک یا حداکثر در موارد استثنایی دو سدرصد سهام را به خود اختصاص نمی دهد در همین مورد از زبان مدیرعامل " مرکز تهیه و توزیع مواد غذایی در اطلاعات اول آذر می خوانیم :

" حالا که برخی تجار فهمیده اند دولت نظرسنجی نسبت به شرکت های تعاونی مساعد است چند نفری رفتند و یک شرکت تعاونی تشکیل داده اند . در حالیکه شرکت تعاونی باید اکثریت اعضای صنف را دربر گیرد "

درصحت های آقای وزیر بازرگانی هیچگاه این زبان نیز افتخارگانه در مورد راههایی که سرمایه دارها برای حفظ منافع کلان خود پیدا می کنند، موجود نیست . معلوم نیست تعاونی های آقای وزیر چگونه تعاونی های است ؟

ثانیاً - آیا فقط به خاطر جنگ و محاصره اقتصادی و از این قبیل است که " سیستم تعاونی می تواند توزیع عادلانه و خوبی در پی داشته باشد " یا اصلاً سیستم تعاونی واقعی به این علت می تواند توزیع عادلانه و خوبی داشته باشد که مانع سودجویی سلاطین بازار می شود و راه را تاحدی بر دزدی و غارتگری لجام گسیخته سرمایه داران می بندد ؟

دل های سیاه دل باختگان مال و مقام

آقای وزیر محترم اصلاً هیچ اشاره ای تاکنون به این معنا نداشته است که به علت اینکه آقایان بازرگانان کلان سرمایه دار احتکار می کنند ، گرانفروشی می کنند ، تقلب

می کنند باید دست آنها را کوتاه کرد و وظیفه توزیع داخلی را عمدتاً برعهده تعاونی های صنفی که همه اعضای صنف عضو آن هستند گذاشت آقای وزیر تا امروز راجع به ضرورت حذف واسطه ها و دلالان که با خرید و فروش های مصنوعی و بورسریازی قیمت ها را گاه تا ده برابر بالا می برند ، و سودهای کلان بالا می کشند یک کلمه هم صحبت نکرده است آیا علت تعاونی کردن توزیع ، جنگ و محاصره اقتصادی است یا طبق همان اصل ۲۲ قانون اساسی و به این علت که انقلاب ، انقلاب کوخ نشینان است باید دست دلالان و واسطه ها قطع شود و تعاونی های صنفی جای آنها را بگیرد ؟

در همین زمینه دکتر بهشتی شهید در مصاحبه با اطلاعات ۱۵ شهریور ۵۹ می گوید :

" یکی از عوامل بسیار موثر که گرانی کالاها یک مقدار به آن مربوط می شود همین غلط بودن شبکه توزیع کالا است این هم باید عوض شود .

اطلاعات : اگر بازرگانی خارجی دولتی شود شبکه توزیع کالا کنترل نخواهد شد ؟

دکتر بهشتی : چرا ما دو بخش داریم یعنی از دو جا این مساله آب می خورد یکی از مساله بازرگانی خارجی است که در آن سوء استفاده هایی می شود و یکی هم در شبکه داخلی است که دست های زیادی بیخود در کار است چرا ؟

در برخورد با این مساله بسیار مهم آقای وزیر بازرگانی در مصاحبه رادیویی می گوید :

" از بازرگانان ، بنکداران پیشهوران ، خلاصه از کسانی که در کار تجارت و توزیع در کشورمان خدمت کرده و می کنند ... تقاضایم این است که هر امکانی دارند برای رفع احتکار و برای رفع گرانفروشی برای رفع بازاریاسیاه " بکارندازند

آقای وزیر ما اول گوشت را به گریه می سپارند بعد خیلی مودبانه از او می خواهند که با گوشت محترمانه رفتار کند کجا در عالم دیده شده که تجار بزرگ انصاف داشته باشد . مال را پنهان نکند احتکار نکند و مردم را به روز دلت نشانند ؟ برآستی این آقای وزیر جز نصیحت مفت و مجانی دیگر چه کاری حاضرند علیه سرمایه دارها در موضوع توزیع داخلی به نفع مردم انجام دهند ؟

آیت الله مشکینی در مورد ضرورت بکارگماردن ما موران دولت برای کنترل و نظارت بر شبکه توزیع صراحتاً می گوید :

" دل های سیاه دل باختگان مال و مقام را انبیسای الهی نتوانستند متوجه کنند و با همان حال به عالم کيفر روانه شدند و اما روش هایی که از جانب مسئولین اعمال می شود تا حدی موثر بوده و خواهد بود "

\* \* \*

در تمام مصاحبه ها ، اظهار نظرها و مباحثات مجلس و دیگر جاه که در روزهای اخیر صورت گرفته است مساله رابطه دولتی شدن بازرگانی خارجی و امر توزیع داخلی مورد توجه قرار گرفته است . در این زمینه اکنون بروشنی دو نظر متفاوت وجود دارد :

یک نظر متعلق است به آقای عسکراولادی مسلمان و همفکرانش آقای خاموشی که مسئول کمیته امور صنفی است و بسیار خشنود است که آقای عسکراولادی در راس وزارت بازرگانی است . این آقایان معتقدند که در فعالیت بخش خصوصی در زمینه بازرگانی داخلی ( فروش واردات و فروش تولیدات داخلی ) نباید هیچ منع قانونی بوجود آید و باید دست تجار در کارهایی که می کرده اند و می کنند جز در تجارت خارجی در همه جا باز باشد نظر دیگر می گوید :

ما باید درصدد باشیم که واسطه ها ، تجار بزرگ ، دلال ها ، عمده فروش ها که سودهای نامشروعی کسب می کردند و می کنند حذف شوند توزیع عمدتاً باید به روشک صورت گیرد : از طریق تعاونی های متشکل از فروشنندگان جز ، و توزیع از طریق ارگان های دولتی در مورد بسیاری از کالاهای

اساسی در موقع کمبود کالا ضرورت ، ایجاب می کند که از سیستم کوپنی استفاده شود . این به معنای حذف سرمایه داری بطور کلی نیست سرمایه های خصوصی می توانند ، همچنان مطابق قوانینی که تدوین می شود در بخش صنعت ، کشاورزی در امر تولید مشارکت داشته باشند سرمایه های کوچک نیز تشویق می شوند ( مجبور نمی شوند ) که در تعاونی ها مجتمع شوند و در رشته های مختلف تولید و تجارت سهمی برعهده گیرند . کسب و کار این سرمایه ها چنانچه به هر دلیل نتوانند فعلاً به صورت تعاونی درآید کاملاً از تعرض مصون خواهد بود و مورد حمایت دولتی نیز قرار می گیرد .

به اعتقاد ما این نظر هر چند کلی است با این همه عناصر اصلی یک سیاست درست را که پاسخگوی نیازهای فعلی ما باشد در خود دارد .

متأسفانه لایحه دولتی کردن تجارت خارجی تکلیف رابطه تجارت خارجی با توزیع داخلی را معین نکرده است . این لایحه فقط در ماده ۱۴ خود متذکر می گردد که کالاهای وارداتی ، به " شبکه توزیع بخش دولتی تعاونی و خصوصی تحویل می شود . در این قانون راجع به چگونگی و میزان تحویل کالا به بخش های سه گانه هیچ صحبتی نشده است از این

بقیه از صفحه ۱۶

### حافظ اسد...

" انسان در ایمن مسائل باید عقل خود را حکم قرار دهد . نه اینکه به دنبال سخنان و جملاتی راه بیافتد که اهداف خاصی را دنبال می کند و از هرگونه منطق و استدلالی بدور است . . . انقلاب اسلامی ایران شدیداً علیه اسرائیل مبارزه می کند با اشغال سرزمین های عربی توسط اسرائیل مخالف است می کند . . . می خواهیم در این زمینه بگویم که هدف از این حمله ، ضربه زدن به انقلاب اسلامی ایران است و نه هیچ چیز دیگر "

تمام آن حقایقی که در سخنان حافظ اسد در مورد مسائل منطقه و انقلاب

قانون هم می توان استنباط کرد که مواد اولیه کارخانجات بخش خصوصی که از خارج وارد می شود ، توسط دولت به آنها تحویل داده می شود هم می توان استنباط کرد که پس از رفع نیازهای تعاونی ها و بخش دولتی و حتی قبل از آن دولت کالاهایی را که می آورد کلاً تحویل تجار بازار می دهد که هر کار دلشان خواست بکنند اعضای کمیسیون بازرگانی مجلس نیز در مصاحبه ۱۹ آذر ماه خود با کیهان بدرستی روی ابهامات و نواقص انگشت گذاشته اند .

مردم از اینکه بالاخره پس از یک سال و نیم لایحه دولتی کردن بازرگانی خارجی به مجلس رفته و در شور اول کلیات آن به تصویب رسیده است بسیار خوشحالند . لاکن متأسفانه هنوز روشن نیست که ارتباط بین سه نوع مالکیت در بخش های دولتی ، تعاونی و خصوصی که در اصل ۲۴ قانون اساسی آمده است چگونه است و معنای اینکه بخش خصوصی مکمل بخش دولتی و تعاونی است در عمل و بطور مشخص چیست . مافکر می کنیم رفع این ابهام لایحه دولتی کردن بازرگانی خارجی در چارچوب های که گفتیم بتواند امر دولتی کردن بازرگانی خارجی را از مضمونی کامل و واقعی برخوردار سازد

ایران بازتاب یافته است تماماً مسائلی هستند که با آرمان های انقلاب ایران انطباق دارند . انقلاب ما در سراسر جهان دوستان فراوانی دارد وظیفه مبرم دولت جمهوری اسلامی ایران است که با اتخاذ سیاستی منطبق با مصالح انقلاب از تمام این دوستی ها به سود تعمیق انقلاب استفاده نماید . گسترش و تحکیم پیوندهای انقلاب ایران با جنبه پایداری یک ضرورت حیاتی است . این پیوند در شرایطی که دشمن عملاً علیه ما توطئه می کند نباید تنها به حمایت معنوی از یکدیگر محدود شود . جنبه پایداری جنبه های است عمیقاً ، ضدامیریالیستی و ضدصهیونیستی . دولت جمهوری اسلامی ایران باید این جنبه را بیش از پیش تقویت نماید .





### با خاطره شهیدان بستان

## بستان تولد حماسه‌ها

بستان شهر کوچکی است در ۳۵ کیلومتری شمال غربی سوسنگرد که در اولین روزهای یورش ناجوانمردانه نیروهای تجاوزگر امریکایی - صدامی به همراه دهلاویه هویزه تا نزدیکی‌های غرب جاده سوسنگرد - اهواز به اشغال دشمن درآمد.

متجاوزین که قصد داشتند فاصله ۵۵ کیلومتری سوسنگرد اهواز را یک شبه بپیمایند و صدام "الاهواز"ش برسانند در آب‌های منحرف شده کارون به گل نشستند.

خانه‌های فروریخته و کوجه‌های تودرتوی سوسنگرد با خون‌های شگ‌زده بر درو دیوار شهر، شاهدان دیرپای حماسه‌ساز دلاوران سوسنگرد هستند که با سدی از گوشت و خون هجوم دیوانه‌وار آهن و پولاد را مهار کردند، سوسنگرد را از دشمن بازستاندند و به آغوش میهن بازگرداندند.

در آن روزها ۱۲ لشکر سوار زرهی دشمن، ارتش قدرتمندی در مقابل خود نداشت آنچه بود بسیجی از زحمتکشان سراسر میهن بود که بی شکل بدون تجربه بدون سلاح سنگین و سازماندهی نظامی، به فرمان رهبرشان دست از کار کشیده بودند و خود را به جبهه‌های جنوب و غرب کشور رسانده بودند تا در دریای از خون، هجوم دشمن رامهار کنند و آن را زمینگیر نمایند. به این ترتیب بود که دشمن نتوانست بیخ از آن جلو آید. اما برای مدتی کوتاه در مناطق اشغالی مستقر شد. دشمن به تحکیم مواضع پرداخت و بستان "قادسیه صدامی" لقب گرفت.

در جنوب جبهه بستان بانظافی بزرگ به نام "حورالمظیم" تا نزدیکی‌های شمال غربی

اهواز قد می‌کشد و مرز ایران و عراق را می‌سازد. عبور و مرور در این ناحیه جز با دور زدن باغلاق امکان پذیر نیست به همین جهت دشمن در اوان تهاجم از شمال از طریق "العماره" و از جنوب از طریق بصره به جنوب و غرب سوسنگرد و اهواز حمله برد و بستان پل تدارکاتی دشمن شد برای تغذیه نیروهایش در دو حد فاصل فوق. جز راه تدارکاتی بستان تنها راه دیگر دشمن یک راهی است فرعی که از شمال کشیده می‌شود با آسیب‌پذیری‌های زیاد. بدین جهت اهمیت استراتژیک بستان ده جندان می‌شود.

بستان با جنین ویژگی‌هایی پل پیروزی دشمن و قادسیه صدام در خوزستان شده بود بدان حد که صدام در یکی از مصاحبه‌هایش می‌گوید:

"اگر ما در ایران تمام زمین‌هایی را که گرفته‌ایم از دست بدهیم بستان را از دست نخواهیم داد" ولی صدام فقط واحدهای پشت در پشت سوار زرهی و توپخانه و میرازها را می‌بیند و نعره می‌زند که: "بستان را از دست نمی‌دهیم" ولی در آن سوی بستان در روستاهای اطراف سوسنگرد چه هنگامه‌ای است.

زحمتکشان شهر و روستا چندین هزار، از جوان موی سفید، از روشنفکر تا کارگر کارخانه از دهقان تا محصل، همه و همه با هر عقیده و مرامی در جنگ عادلانه سبئی سرودخوان در جادرها گرد آمده‌اند تا دشمن را از خاک خود و بستان پلید امپریالیسم جهانی سرگردگی آمریکا را از انقلاب خود کوتاه کنند. حمله از ۳ منطقه الله‌اکبر دهلاویه، سویداییه و

جولانبه صورت می‌گیرد. دشمن که کماکان از حمله باخبر است، با سیم‌های خاردار و سنگسره‌های بتونی خود را نغوذناپذیر می‌بیند. به انتظار "آتش تهیه" به عنوان شروع حمله می‌نشینند تا بارانی از خمپاره و توپ بر سر دلاوران بارانند اما غافل از آن است که انسان‌هایند که حماسه‌سازان تاریخ‌اند.

حمله از ساعت ۱۲/۵ هشتم آذرماه با نام "پاسا حسین - فرماندهی" در زیر باران آغاز می‌شود.

نیروهای پیشتاز که به نیروهای خط شکن معروفند، نوک‌های تیز و برنده بیگان حمله‌اند آنان داوطلبانه ایثارگر ملت‌اند که آماده‌اند با فداکردن بارزش‌ترین اندوخته‌های انسانی یعنی جانشان انقلاب و میهن را پاس دارند.

از میان سیم‌های خاردار می‌گذرد و با لیخندی بر لب بر یکدیگر پیشی می‌جویند از شاهانه‌ای مرگ پای می‌نهند تا میهن را از لوث متجاوز پاک کنند. دل بستان دریاافتگانی که دوناودوش رنده‌ها می‌روند تا تاریخ میهن خود را با رگ‌ها و پی‌های تکه‌تکه شده‌شان رقم زنند.

نیروهای پیشتاز بر میدان‌های مین می‌روند و وقتی که از پرواز خونین انفجار مین فرود می‌آیند بال می‌کشایند و می‌غلطتند تا تعداد بیشتری مین منفجر کنند و راه را بکشایند. در یک محور ۱۰۰ نفر داوطلب می‌شوند و همگی میدان را با خون خود متح می‌کنند.

دبوه‌های اول و دوم دشمن با صدها تانک خودرو و دیگر وسائل زرهی در عرض چند دقیقه سقوط می‌کند. دشمن هراسان چشم می‌کشد و در پرتو "منوره‌های میکاباره

موجی از دریای بیکران زحمتکشان جان بر کف ایرانی را می‌بیند و بقدری از حضور ناگهانی نیروهای سپاه، ارتش، بسیج مردمی و نیروهای نامنظم به هراس می‌افتد که قدرت فرار نیز از وی گرفته می‌شود. "تک" بقدری غافلگیرانه است که در بعضی از محورها هنگامی که نیروهای دلاور ما می‌رسند دشمن هنوز در خواب است. آنها دل در گرو میدان‌های مین و اینان دل در گرو عشق به آزادی میهن.

خاکریزها و دبوه‌های دشمن یکی بعد از دیگری سقوط می‌کند و نیروهای رزمنده بعد از ۳ ساعت به بستان می‌رسند.

در منتهی‌الیه آرایش نظامی دشمن نیروهای رزمنده ما با کوشش شبانه‌روزی جهادسازندگی در قلب دشمن بیرون می‌آیند و توپخانه‌های دشمن را سالم به غنیمت می‌گیرند و قدرت آتش دشمن را به صف می‌رسانند.

نیروهای بعدی به هسر خاکریز و سنگری که می‌رسند تلی از جنازه‌های دشمن را انباشته می‌بینند و در کنار اینان، بدن‌های پاره‌پاره خط شکنان را، در میادین مین با دست‌ها و باهای قطع شده در کنار خاکریزها در حالی که تنگ را عاشقانه در دست فشرده و افتاده‌اند، در کنار هر سنگری که فریب‌خوردگان و مزدوران آن به تمامی مرده‌اند، رزمنده خط شکنی با گلوی بریده از ترکش نارنجک دیده می‌شود که هنوز فریاد مرگ بر آمریکا از آن بیرون می‌آید.

حماسه آفریده شده است و دلاوران پیشتاز خط شکن ما مرگ را فتح کرده‌اند. مرگ را به مسخره گرفته‌اند و فریاد رزمندگان ویتنامی را بار دیگر در جبهه‌های علیه امپریالیسم سرداده‌اند که "ما از مرگ قوی‌تریم".

آنچه که در این نبرد و دیگر نبردهای مشابه تماشای محاسبه‌های متخصصین نظامی دشمن را برهم زده است، استفاده از تاکتیک معروف "ستون‌های انسانی" است. رزمندگان ویتنامی نیز با استفاده از این تاکتیک

### شهید

## یدالله احمدی: در چینه فقط به پیروزی این جمهوری بر تجاوزگران ملی‌اندیشم



با یاد توای رفیق  
آوای شالیکاران  
چون پهنه طالار\*  
همچنان جاریست

رفیق یدالله (بهنام) احمدی در سال ۱۳۴۰ در ۳ کیلومتری قائم شهر در روستای "کله‌گر محله" در خانواده‌ای زحمتکش به دنیا آمد.

او چه در روزهای حرکت آفرین انقلاب و چه پس از آن همیشه با تلاش و پیگیری بسیار، در خدمت انقلاب و مردم بود.

یدالله به محض شروع جنگ تحمیلی و رهنمود سازمان مبنی بر شرکت در جنگ و بیرون راندن تجاوزگران، با وجود مشکلات و تضییقات فراوانی که بر سر راهش قرار داده بودند، داوطلبانه عازم جبهه شد.

در دفتر خاطراتی که از او به یادگار مانده چنین می‌خوانیم:

"من به‌خاطر استقلال و تمامیت کشور و به‌خاطر دفاع از جمهوری اسلامی است که به جبهه می‌روم... رفیق یدالله در زندگی روزمره و در کارهایی که در روستای "کله‌گر محله" انجام می‌داد، همواره نمونه یک

نقشه در صفحه ۲۳

# مسلح کردن توده‌ها ضامن پیروزی خلقهای ماست

## تردید مجلس در تصویب لوایحی مانند لایحه اصلاحات ارضی به زیان انقلاب است

تاخیر در تصویب لایحه اصلاحات ارضی و تعویق دراز مدت بندج و د" در زحمتکش و مستضعفان دفاع بیشتر نقاط کشور، عملاً فعالیت‌های هیئت‌های هفت نفره را با رکود مواجه ساخته است. این امر به نوبه خود باعث گردیده است که کوشش‌های کشاورزان زحمتکش برای افزایش تولید به تن‌بست کشیده شود. اقدامات نهادهای انقلابی در تلاش برای ازدیاد تولید کشاورزی به حالت تعلیق درآید و از سوی دیگر دست بزرگ مالکان، خوانین و فئودال‌ها برای ستم بیشتر بر دهقانان زحمتکش بازتر شود. علیرغم اعتقاد اکثریت قاطع مسئولین جمهوری اسلامی به تلاش در راه تأمین منافع مستضعفان و این حقیقت که هرگونه تحول مثبت، سازنده و مردمی در کشاورزی کشور، بدون درهم شکستن بزرگ مالکی غیر ممکن است فشار نیروهای معینی که در واقع در لافه اسلام - شهری‌ها، این دهها میلیون خواهی از بزرگ مالکان و زحمتکش شهر و روستا منافع آنان دفاع می‌کنند، موجب شده که هر اقدام قاطعی به سود میلیون‌ها دهقان زحمتکش به تعویق تصویب لوایحی که به سود افتد و با تاخیر روبرو گردد. محرومان است، آشکارا و از این رهگذر ضربات بازم به معنی ریختن آب به آسیاب بیشتری بر انقلاب وارد آید. فشار خیل ستمکاران که هر

روز برای شکست خط امام - که بر آنست تا از منافع زحمتکش و مستضعفان دفاع کند- توطئه تازه‌ای ساز می‌کنند، متأسفانه در برخی از نیروهای خط امام، مصلحت‌اندیشی‌هایی را شکل داده و می‌دهد که به هیچ وجه در مصلحت انقلاب و جمهوری اسلامی نیست تنها چاره درست برای درهم شکستن فشارها و توطئه‌های نیروهای ضدخط امام اجرای بدون درنگ قانون اساسی، به‌ویژه اجرای اصول ۳۴ و ۳۹ قانون اساسی است. چاره درست، اعمال قاطعیت هرچه بیشتر در تصویب بدون فوت وقت لوایحی است که گره از کار مستضعفان می‌گشاید.

باید اقدامات بنیادین به‌سود محرومان با شناسایی شایسته انقلاب پی‌جویی و پیگیری شود تا در زندگی و کار مدافعان واقعی انقلاب این پابرهنگها، این جنوب شهری‌ها، این دهها میلیون زحمتکش شهر و روستا تغییرات مثبت به‌عمل درآید. کارشکنی در راه اقدامات مردمی خط امام و ممانعت از تصویب لوایحی که به سود محرومان است، آشکارا و به معنی ریختن آب به آسیاب امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا است.

## بستان تولد ...

در نبردهای دین‌بین‌فرو علیه امپریالیسم فرانسه و در تصرف سایگون علیه امپریالیست‌های آمریکایی، دنیا را در شگفتی فرو برد. دشمن در بستان بدینگونه مات نیروی انقلاب شد. فرماندهان ارتش متجاوز نیز به این حقیقت معترفند سرگرد عراقی می‌گوید:

من این حرف را به خاطر اینکه الان اسیر شما هستم نمی‌زنم. پس از شکست آبادان که یکی از مستحکم‌ترین دژهای ما بود این برای تمام امرای ثابت شد که ما دیگر در ایران ماندنی نیستیم. هرچند که اگر از نظر نیرو و امکانات و مهمات از شما بیشتر نباشیم، کمتر نیستیم. و تمامی کشورهای منطقه از جمله عربستان، مصر، سوئدان و اردن به ما کمک نظامی می‌کنند. ولی در میان ما یک چیزی نیست و آن هم عامل شکست ماست و آن ایمن می‌باشد.

در حماسه آزادسازی بستان و ۱۰۰ روستای آن و رسیدن به مرز و پاک‌ساختن حدود ۳۰۰ کیلومتر از دشمن و به هلاکت رساندن ۲۵۰۰ عراقی و گرفتن ۵۰۰ اسیر و منهدم کردن صدها تانک، خودرو و تجهیزات دیگر باید علاوه بر رزمندگان جبهه‌ها از ایثارگران جهاد سازندگی یاد کرد. جهادگرانی که شانه‌روز در زیر باران خمپاره‌ها و توپ‌ها ۴۰ کیلومتر جاده نظامی در قلب دشمن ایجاد کردند.

تلاش جهادسازندگی خراسان و فارس در جبهه سویدانیه و جهادسازندگی نجف‌آباد در جبهه دهلاویه و جهاد سازندگی اصفهان و سمنان در جبهه الله‌اکبر شایسته زیباترین دروهای میهنی است.

از ویژگی‌های دیگر حماسه بستان به میدان آمدن اولین واحد زرهی سپاه پاسداران بود که از تانک‌ها بی‌ام‌پی‌ها و خودروهای فتح آبادان تشکیل شده بود. همانگونه که سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به عنوان اولین سازمان

رفیق یدالله در نوزدهمین بهار زندگیش به صف شهدای خلق، شهدای راه آزادی پیوست. پیکر پاک رفیق با انجام تشریفات رسمی و شرکت هزاران نفر از زحمتکش قائم‌شهر و کله‌گر محله از بیمارستان تا تکیه روستا، قریب ۸ کیلومتر بر روی دست‌های مردم تشییع شد. ما ضمن گرامیداشت خاطره این رفیق عزیز، شهادت پر افتخارش را به خانواده و به‌ویژه مادر گرامی‌اش تسلیت می‌گوئیم.

\* طالار نام رودخانه‌ای است که از ارتفاعات سوادکوه به خزر می‌ریزد.

از صفحه ۲۲

## شهید یدالله احمدی ...

انسان شایسته بود. به گفته هم‌زمان و همسنگران و به شهادت یادداشت‌هایی که از او به یادگار مانده است، او در جبهه هم نمونه یک سرباز شایسته و دل‌آور و یک پیشاهنگ موفق بوده است. اکنون دفتر یادداشت‌های روز به روز رفیق پیش ماست. او در ۱۲ شهریور می‌نویسد: روزها می‌گذرند و در این گذران فقط به پیروزی جمهوری بر تجاوزگران می‌اندیشم. البته این آرزوی هزاران سرباز مبارز در جبهه‌ها و میلیون‌ها مردم

پشت جبهه است. سال گذشته در این موقع در درو کردن شالی به کشاورزان کمک می‌کردم (یادشان به‌خیر، کشاورزان روستایم چه صفا و صمیمیتی دارند). هر چند اکنون هم در جبهه درو می‌کنیم. اما در ابعادی دیگر سال پیش درو می‌کردیم و خوشه‌ها را می‌چیدیم و خرمن می‌ساختیم. و اقتصاد میهنمان را شکوفا می‌ساختیم. اصل هم زشتی‌ها، تجاوزگری‌ها و ستم‌کارها را درو می‌کنیم و عقب می‌نشانیم. بخاطر شکوفایی انسان‌ها...

سیاسی، بحق بر ضرورت مسلح شدن سپاه به سلاح‌های سنگین یا فشرد و اکنون نیز بر گسترش هرچه بیشتر واحدهای سنگین سپاه، مصر هستیم. در این عملیات تاکیدهای بجای ما نمود عینی یافت و واحدهای زرهی سپاه در نوک تیز حمله، قلب خط دفاعی دشمن را شکافت و تار و مار کرد.

اکنون با گذشت ۱۶ ماه از جنگ تحمیلی وقت آن رسیده است که هرچه بیشتر نیروهای مسلح مردمی را که قلب خود را چون نارنجکی به سوی میدان‌های مین و تانک‌های دشمن پرتاب می‌کنند به سلاح‌های سنگین مجهز کنیم تا در ترکیب مناسب از ایمان و عشق به آرمان‌های انقلابی و سلاح‌های سنگین و مدرنی که به استقلال ما لطمه‌ای وارد نمی‌آورد، دشمن را هرچه زودتر از خاک میهن انقلابی خود برانیم و به امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا بفهانیم که چنین مردمی با چنین

نیروهای مسلحی شکست‌ناپذیرند. تاکتیک‌های "ستون‌های انسانی" و "امواج انسانی" را بکار گیریم اما از تجهیز خود به سلاح‌های پیشرفته و کارساز باز نمانیم.

انقلاب در رونق و تعمیق یابنده خود به صلحی عادلانه دست خواهد یافت و باید در خاکستر هجوم، نهال آبادانی و سازندگی را کاشت و آبیاری کرد. انقلاب برای سازندگی به تک‌تک خط‌شکنان در یاد نیاز دارد باید در ترکیب مناسب ایمان و فرزندان برومند انقلاب را هرچه بیشتر برای سازندگی حفظ کرد. کلامان را با پیام یکی از حماسه‌آفرینان بستان به پایان می‌بریم که گفت:

# پیروز باد آرمان انقلابی رفقای شهید★

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

# الحاق بلندیهای جولان توسط اسرائیل یک تجاوز آشکار امپریالیستی - صهیونیستی است

در صفحه ۴

## در راه برقراری حکومت قانون

■ براساس تمام موازین پذیرفته شده در جمهوری اسلامی ایران بازداشت اعضاء و هواداران سازمان عملی است خلاف قانون

در صفحه ۳

سیاه پاسداران داوطلبین را به جبهه های جنگ دعوت کرد

### دفاع از میهن انقلابی حق همه مدافعان انقلاب از هر مرام و مسلکی است

در صفحه ۲۱

## حافظ اسد: شوروی هم چنان دوست نیرومندی در کنار هم پیمانان خود خواهد ماند

انقلاب اسلامی ایران شدیداً علیه اسرائیل مبارزه می کند و با اشغالگران سرزمین های عربی توسط اسرائیل مخالفت می کند .  
(حافظ اسد)  
در صفحه ۱۶

در حاشیه تظاهرات افغانه فراری

### ناوقتی قطب زاده بود هیچ غصه نبود

در صفحه ۹

## تردید مجلس در تصویب لوایحی مانند لایحه اصلاحات ارضی به زیان انقلاب است

● تنها چاره درست برای درهم شکستن فشارها و توطئه های نیروهای ضد خط امام اجرای بدون درنگ قانون اساسی ، به ویژه اجرای اصول ۴۴ و ۴۹ قانون اساسی است . چاره درست اعمال قاطعیت هرچه بیشتر در تصویب بدون فوت وقت لوایحی است که گره از کار مستضعفان می کشاید .  
باید اقدامات بنیادین به سود محرومان باستانی شایسته انقلاب پی جویی و پیگیری شود تا در زندگی و کار مدافعان واقعی انقلاب ، این پابرهنگها ، این جنوب شهری ها ، این دهها میلیون زحمتکش شهر و روستا تغییرات مثبت به عمل درآید .

در صفحه ۲۳

### ترور جنایتکارانه استگی و پشارت ، نمایندگان مجلس آمیزه ای از جنون ، خیانت و انتقام جوئی کور

ترورریسم کور ، جنایتکارانه و جنون زده ، عکس العمل یاس آلود دشمنان انقلاب ایران در برابر شکوفایی روزافزون انقلاب ایران است دشمنی که قادر نیست سرمنشاء نیرومندی و شکوفایی جمهوری اسلامی ایران ، توده های دهها میلیونی شهر و روستا را از پا درآورد به ترور شخصیت ها روی آورده است .

در صفحه ۹

## تاخیر در بازگردانیدن معلمان بناحق «پاکسازی» نشانه بر سرکار به زیان انقلاب است

● آقای پرورش که خود معترف است : " کمبود معلم یکی از مشکلات بسیار بزرگ آموزش و پرورش است " با مسکوت گذاشتن مسئله بلا تکلیفی هزاران معلم وفادار به انقلاب " پاکسازی " شده می گوید :  
" مسئله کمبود معلم در درازمدت حل خواهد شد ! "

در صفحه ۵

# پیشن بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر